



کانون سنگر سازان بی سنگر

شماره ۹۹ - بهمن ماه ۱۴۰۰

نشریه فرهنگی - خبری

سنگر سازان



• بهمن، فروردین انقلاب

• طی طریق سنگر سازان پی سنگر

• فرهنگ جهادی، تابع جامعه‌ی در حرکت

• رسم جهاد؛ تجربه‌های کار جمعی در
جهاد سازندگی



حضرت زهرا عليها السلام:

خوش رویه هنگام روبرو شدن با مؤمن
بهشت را بر فرد خوشرو واجب می کند.

ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا عليها السلام
وروز مادر تبریک و تهنیت باد.



صاحب امتیاز:

کانون سنجسازان بی سنجس مرکز

مدیر مسئول:

محمد صدوری

سر دبیر:

فتح الله نادعلی

مدیر اجرایی:

مجید صفی

همکاران این شماره:

عسگر نوروزی، حجت ترشیزی،

مهدی محمدی، علی مشایخی، جواد

کاظم فرحزادی و کوروش اکبری فرد

باتشکر از همکاری:

کانون های سنجسازان بی سنجس استان ها و

شهرستان های ویژه و کلیه عزیزانی که ما را

در تهیه این شماره یاری کردند.



در این شماره می خوانید

۴	بهمن، فروردین انقلاب
۶	فرهنگ جهادی؛ تابع جامعه ی در حرکت
۱۰	طی طریق سنجسازان بی سنجس
۱۴	کتاب رسم جهاد۱
۲۰	ملت؛ انقلاب؛ چرا؟
۲۸	رقص ماهی ها
۳۲	قاب بهمین ، بهانه ای برای آذر
۳۶	بایسته های احیای جهاد سازندگی
۴۰	اخبار کانون مرکز، استان ها و شهرستان های ویژه

* تصاویر به کار گرفته شده در این نشریه از کلیات فعالیت های سنجسازان بی سنجس می باشد و الزاما منحصر به مطلب مندرج نیست.

* نشریه سنجسازان بی سنجس آماده دریافت مطالب، خاطرات، دلنوشته ها و... شما عزیزان می باشد.

* نشریه در تلخیص یا ویرایش محتوای ارسالی مختار می باشد.

فتح الله نادعلی

سخن نخست

بهمن، فروردین انقلاب

در دوازدهمین روزش، مراد سفر کرده ملت، پروازی را به بلندای تاریخ آغاز می‌کند و بر بستری سبز از امید و آرزوی مریدان، با آرامشی برگرفته از وعده حق، فرود می‌آید؛ تا

بهمن با همه زیبایی‌هایش فرا رسید؛ «فروردین انقلاب»؛ بهار رها شدن و رهانیدن؛ شروع با هم بودن و یکی شدن؛ آغاز گسستن بندها؛ زمان پرواز به سوی جهانی آزاد؛ گاه نوشیدن باده بندگی خدا و هنگام سر خوشی از ندای رضایت حضرت حق؛ بهمن ماه ۱۳۵۷.

فرهنگی، از اصلی‌ترین وظیفه نهادهای فرهنگی برای پدافند هوشمندانه، نوین، مردم محور، مستمر و هدفمند در مقابل تهاجم فرهنگی و رسانه ای دشمن و تقابل تبیینی و ارشادی در برابر حرکت خودی‌هایی است که ناخود آگاه در جبهه رقیب قرار گرفته‌اند!

اکنون ایجاد جریان فرهنگی هدفدار و تبیین حقایق، وظیفه تمام کسانی است که برای دفاع از عزت و اقتدار ایران سربند دل می‌سوزانند و مشکلات اقتصادی و معیشتی آنها که واقعی و غیر قابل کتمان نیز هست؛ باعث نشده که با واژه «انصاف» بیگانه شوند و گرم کردن بازار گروه‌ها و کانال‌ها و... را با هر خبری مجاز بدانند!

به همین دلیل «نشریه سنگر سازان بی سنگر» بنا دارد؛ هم زمان با ماه تحول انگیز بهمن و با همراهی صاحبان اندیشه، هنر و قلم، با تازه‌های مخاطب‌پسند، حرکت مجدد خویش را شتاب بخشد و همراه با تنوع محتوایی و شکلی تدوین و به صورت ماهانه در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد. ما با اندک بضاعت خویش بر آنیم تا وظیفه خود را در برابر دریای خوبی ملت ایران به انجام برسانیم و از خداوند منان خواستاریم که این اندک را از ما پذیرفته و آن را سرشار از برکت فرماید. «یا من یعطی الکثیر بالقلیل»!

فجری بزرگ را برای رنج دیدگان جهان رقم زد. و این چنین دهه فجر انقلاب اسلامی آغاز می‌شود و حرکت ملت برای تحقق نصرت الهی سرعت می‌گیرد. در بیست و دومین روز آن، انقلاب اسلامی به پیروزی می‌رسد و ملت در زمستان خویش، بهار عزت و اقتدار را جشن می‌گیرد. هفت سال پس از آن پیروزی بزرگ، رخدادی عظیم نوید بخش پیروزی دیگر می‌شود و در فجر انقلاب اسلامی «والفجرهشت» تمام معادلات استکبار جهانی را در هم می‌پچد. در شامگاه بیستم بهمن ۱۳۶۴ ایران با اقتدار از عرض اروندرود عبور و حماسه ای بی‌مانند را خلق و نقطه عطفی را در تاریخ جنگ‌ها جهانی به یادگار می‌گذارد. آنگاه جهادگران پشتیبانی و مهندسی جنگ در تداوم نقش آفرینی خویش، نگینی زیبا به نام «پل بعثت» را بر این گوهر اقتدارحک می‌کنند و صفحه‌ای زرین بر صفحات «کتاب عزت ملت ایران» می‌افزایند.

اما بهمن امسال متفاوت‌تر می‌آید. در سومین روزش، بیستم جمادی الثانی می‌رسد و دنیا مزین به کوثر وجود حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها می‌شود؛ به مبارکی این مولود، روز مادر و زن نام گذاری می‌شود و همزمانی روز میلاد حضرت صدیقه با سالروز تولد فرزند صالحش روح‌اله؛ از جمله الطاف خداوندی به ملت ایران و انقلاب اسلامی می‌گردد!

نسیم پر مهر علوی در روزهای انتهایی این ماه بر جهان وزیدن می‌گیرد و جهان لبریز از عطر دل انگیز مولود کعبه می‌گردد. در بیست و ششمین روز از این ماه، آسمان و زمین شاهد بی‌بدیل‌ترین رخدادی الهی می‌شود و «علی حق» در خانه حق متولد می‌گردد؛ تا ثابت شود که از ابتدا «الحق مع علی» بوده است؛ سیزدهم ماه بزرگ رجب!

و بالاخره بهمن، آغازی می‌شود برای شتاب دریک حرکت فرهنگی خوب؛ انتشارمستمر «نشریه سنگر سازان بی سنگر». بی شک در این آشفته بازار «خودآزاری» که برخی با به خدمت گرفتن فضای مجازی، اصرار بر کتمان حقایق و پوشاندن یافته‌های بی‌بدیل ملت و القای یاس و ناامیدی در مردم خود دارند؛ وجود یک نشریه پرمحتوا، متنوع و مخاطب‌پسند و به کارگیری تمام ظرفیت‌های

فرهنگ جهادی؛ تابع جامعه‌ی در حرکت

جهاد از ریشه جهد به معنای حرکت و تلاش است. در جریان مستمر این نوع از حرکت که در اسلام تبیین شده است فرهنگ و سبک زندگی جهادی به وجود می‌آید. لذا فرهنگ و سبک زندگی اصالت ندارد، یک تبعه است. اگر جامعه ساکن باشد، فرهنگ سکون حاکم می‌شود. اگر جامعه در حرکت باشد فرهنگ در حرکت حاکم می‌شود. بهترین مثال عینی و عملی این موضوع حرکت جمعی و مردمی ابتدای انقلاب برای اصلاح آسیب‌ها و عقب افتادگی‌های دوران رژیم طاغوت است، زمانی که عده‌ای با اهداف مشترک در جریان حرکت انقلاب به سمت روستاها راه می‌افتادند و هر فرد به حسب وظیفه‌ای که مبتنی بر مفهوم جهاد احساس می‌کرد؛ دست به اقدام اصلاحی می‌زد و منشأ خیرات و برکات زیادی می‌شد. به حسب حرکت جامعه در مسیر اهداف انقلاب و اصلاح نابسامانی‌های موجود، فرهنگ جهادسازندگی در بین مردم شکل گرفت و به تدریج ساختاری تحت عنوان نهاد انقلابی

جهاد سازندگی به وجود آمد و به تدریج قوت یافت. در طول دوران دفاع مقدس نیز به حسب همین حرکت با تشکیل ستادهای پشتیبانی جنگ و سپس پذیرش نقش مهندسی و پشتیبانی جنگ جهاد، رشد اجتماعی قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد؛ فرهنگ و به تبع آن مدیریت جهادی در آن دوران به حسب جریان انقلابی‌گری در بین تمامی احاد جامعه جریان پیدا کرد.

علیرغم وجود مأموریت‌های زیاد اصلاحی در مسیر پیش روی انقلاب، فرهنگ سکون گسترش پیدا یافت و خوبانی که دیگر احساس جریان یک حرکت اجتماعی وسیع را نمی‌کردند؛ تنها به تشکیل گروه‌های مشاوره در پشت میز، برای بخش‌هایی از مشکلات بسنده کردند. با تشدید جریان بروکراتیک، گروه‌های مشاوره جایگزین گروه‌های جهادی شد و در طی چند سال فرهنگ پشت میز نشستن و حرف زدن و مشاوره دادن در مورد هر موضوعی قوت گرفت و فرهنگ قالب شد؛ به طوری که در سال‌های اخیر هر گاه انگیزه حرکتی در جامعه پیش بیاید با این توجیه که "این موضوع را در یک طرح جامع مطرح کنید و مشاوره بدهید" راکد می‌ماند!

این موضوع در قرآن مجید بسیار نمود دارد، به عنوان مثال در آیه اول سوره ابراهیم (ع) خداوند به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: "كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ" ما قرآن را به سوی تو نازل کردیم تا به وسیله آن مردم را از ظلمت‌ها به سوی نور حرکت داده و بر صراط‌الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ قرارشان بدهی! در واقع خداوند بزرگ در یک کلام هدف نزول قرآن و آمدن رسول‌الله (ص) را حرکت جامعه از یک نقطه که ظلمات هست به سمت نور معرفی می‌کند و مسیر را نیز پس از آن مشخص می‌نماید.

در آیه پنجم همین سوره نیز خداوند می‌فرماید: "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ" ما موسی (علیه‌السلام) را با آیات فرستادیم تا این که قومش را از ظلمات خارج نماید و به سمت نور ببرد. این سرلوحه بسیاری از مأموریت‌ها و اهداف مهم قرآنی حرکت است. اگرچه موضوع حرکت یک قوم یا جامعه درست پرداخته شود؛ بقیه موضوعات نیز به تبع آن مطرح شده و به کار می‌آید؛

همان طور که پس از حرکت جامعه از ظلمت‌ها به سوی نور، خداوند مطرح می‌فرماید که حالا در خلال حرکت به ایام الله نیز آنها را تذکر و توجه بده "وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ". خداوند در همان ابتدا نمی‌فرماید که ای رسول ما، شما فرهنگ مردم را ابتدا عوض کن! یا نمی‌فرماید که سبک زندگی آنان را تغییر بده. به جای بسیاری مطالب قابل طرح می‌فرماید: «حرکت‌شان بده!» چون حرکت که پیش بیاید کلی چیزها متناسب با حرکت تغییر می‌کند و ایجاد می‌شود.

لذا نیاز هست که این موضوع مهم را در جامعه پررنگ نماییم. چرا که اگر این را داشته باشیم؛ خیلی چیزها به تبع آن حل می‌شود. اگر همه چیز مطرح شود و در جامعه آورده شود؛ ولی این یک موضوع نباشد؛ فایده‌ای ندارد. در جامعه باید متناسب با مسیر پیش روی انقلاب، جریان ایجاد کرد و

بهترین مثال عینی و عملی این موضوع حرکت جمعی و مردمی ابتدای انقلاب برای اصلاح آسیب‌ها و عقب افتادگی‌های دوران رژیم طاغوت است، زمانی که عده‌ای با اهداف مشترک در جریان حرکت انقلاب به سمت روستاها راه می‌افتادند و هر فرد به حسب وظیفه‌ای که مبتنی بر مفهوم جهاد احساس می‌کرد؛ دست به اقدام اصلاحی می‌زد و منشأ خیرات و برکات زیادی می‌شد.

مردم و گروه‌های اجتماعی را در آن مسیر قرار داد. زمانی که مردم با الگوی سوره ابراهیم(ع)، در جریانات الهی قرار بگیرند و حرکت داده شوند؛ به تبع فرهنگ، مدیریت، هنر، سبک زندگی و شکوفا خواهد شد. با توجه به این الگو خداوند می‌توانست در آیه اول و پنجم سوره ابراهیم(ع) بفرماید که مردم را دعوت به ایمان و تقوا کن! و یا این که در مردم ایجاد فرهنگ کن! برای مردم از آرمان‌ها بگو و خیلی موضوعات دیگر که امکان طرح آن در این الگوی قرآنی بود. خداوند بجای همه این حرف‌ها، در یک کلام امر به حرکت قوم می‌دهد.

موسی(ع) در شرایطی که خود به سمت پروردگارش حرکت می‌کند و منتظر دریافت هدایت است از سوی خداوند مأمور می‌شود که: برو به فرعون بگو قوم را به من بده، من

می‌خواهم آنها را ببرم. موسی(ع) در چه شرایطی به پیغمبری مبعوث شد؛ یعنی در حرکت نه در سکون! و اکنون وظیفه ما این است که این موضوع را در جامعه پررنگ نماییم. بی‌شک فرهنگ تبعه حرکت است و به همین دلیل ما باید جامعه را به سمت ارزش‌ها حرکت دهیم تا فرهنگ ارزشی در بین مردم رواج یابد.

یکی از نمونه‌های بسیار ملموس اجتماعی حرکت جامعه و جامعه در حرکت، مبتنی بر الگوهای قرآنی و دینی فضایی جریان اربعین حسینی است که در سال‌های اخیر جوامع زیادی را تحت تأثیر خود قرار داده است. به تبع این جریان عظیم اجتماعی فرهنگ و سبک زندگی اربعینی در بین جوانان و مردم از قومیت‌های مختلف جریان پیدا کرده است. همین‌که فرد یا گروهی عزم سفر اربعین می‌کنند؛ در همان شبانه روز اول، فرهنگ سفر اربعینی و رفتار اربعینی در بین آنها قابل مشاهده می‌شود؛ به حدی که خود نیز متعجب می‌شوند و از آن پس خود را اربعینی می‌دانند.

امروز جامعه ما نیازمند عالمانی است که جریان ساز و حرکت دهنده باشند؛ در عوض این که تنها از ارزش‌ها صحبت نمایند. سخنرانی تنها و عدم جریان سازی و حرکت جامعه، متناسب با نیاز جامعه دینی ما در عصر کنونی نیست! امام خمینی (ره)، خود مصداق عینی یک عالم حرکت دهنده و جریان ساز بود؛ به طوری که با کمترین سخن ایشان، قشر عظیمی از اجتماع به جهاد سازندگی کشیده شدند و سپس با کوچکترین میل ایشان تعداد زیادی از مردم وارد جبهه‌ها شدند؛ تا جایی که همه مشاهده کردن که عملاً جامعه یک چیز دیگری شده بود.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز در فرمایشات اخیرشان به مناسبت قیام ۱۹ دی ماه با اشاره به محوریت علمای دینی شجاع و سیاست‌شناس در اغلب حوادث تاریخی و اجتماعی ۱۵۰ سال اخیر ایران از جمله قضیه تنباکو، نهضت مشروطه، حادثه گوه‌رشاد، قیام ۳۰ تیر و قیام ۱۵ خرداد، فرمودند: "عناصر با نفوذ ممکن است شماری از مردم را به حرکت درآورند اما به موج درآوردن اقیانوس عظیم ملت در مقابل استعمار و استکبار و دنباله‌های آنها، فقط کار عالم و مرجع دینی است و از همین جا می‌توان راز دشمنی عمیق مستکبران را با دین، علمای دینی، علمای سیاسی، فقه

یکی از نمونه‌های بسیار ملموس اجتماعی حرکت جامعه و جامعه در حرکت، مبتنی بر الگوهای قرآنی و دینی فضایی جریان اربعین حسینی است که در سال‌های اخیر جوامع زیادی را تحت تأثیر خود قرار داده است. به تبع این جریان عظیم اجتماعی فرهنگ و سبک زندگی اربعینی در بین جوانان و مردم از قومیت‌های مختلف جریان پیدا کرده است.

زحمات زیادی کشیده شد؛ ولی چون بدون در نظر گرفتن اهمیت ایجاد حرکت در جامعه بود؛ ثمری چندانی نداشت! به قول پروین اعتصامی است: «در فصل پاییز برگ‌های درختی می‌افتاد و فردی می‌خواست برگ‌های درخت را مدام بچسباند!»؛ غافل از آن که با چسباندن برگ زرد شده؛ نمی‌توان درخت را زنده و سرسبز کرد.

در حقیقت فرهنگ، هنر، مدیریت، سبک زندگی و ... به خودی خود اصالت ندارند و خود تبعه حرکت هستند. نوش‌داروی همه اینها، ایجاد جریان در جامعه است و بهترین جریانات در جامعه هم، «فضاجریان‌ها است» به سوی هدفی که می‌خواهیم جامعه قرار بگیرد؛ باید «فضا - جریان» راه بیاندازیم؛ در غیر این صورت فرهنگ و دین‌داری ضعیف می‌شود و بسیاری از نخبه‌ها دلسرد می‌گردند. فضاجریان‌هایی مانند راهیان نور، اردوهای جهادی و در رأس آنها اربعین، باید در جامعه مدام تقویت و توسعه یابند. در این راستا نیاز داریم که شورای عالی حرکت داشته باشیم؛ تا عملاً انقلاب فرهنگی و هنری و ... در جامعه ایجاد شود و بدین گونه مطمئن خواهیم شد که انقلاب در مسیر ادامه حیات خود، گام دوم را با قوت برخواهد داشت. ان شاءالله

در نتیجه حرکت جامعه است که فرهنگ و هنر نیز به وجود می‌آید. به عنوان مثال هنر انقلاب اسلامی، در دهه شصت شکل مناسبی به خود گرفت؛ و آن زمانی بود که جریانات انقلابی گری در جامعه وجود داشت. به تبع حرکت انقلابی، فرهنگ انقلاب و به تبع آن هنر انقلاب شکل گرفت.

سیاسی و اسلام سیاسی درک کرد. ایشان "حساسیت‌زدایی از اصول و مبانی انقلاب به وسیله تبلیغات وسیع در فضای مجازی و رسانه‌های بیگانه و برجسته‌سازی سخنان افراد کم‌مایه و پر ادعا" را از دیگر برنامه‌های دشمنان دانستند و گفتند: "اصول انقلاب از جمله "شکل‌گیری حکومت و جامعه بر اساس هندسه دینی"، «استقلال» و «مبارزه با فساد و بی‌عدالتی» نباید تضعیف شوند". رهبر معظم انقلاب، با دعوت از اهل فکر و قلم و صاحبان فعالیت‌های اجتماعی و مجازی برای مقابله با نقشه دشمن در مسیر حرکت انقلاب فرمودند: «این تصور که اصول انقلاب برای مردم و آینده سودمند نیست خلاف واقع و بی‌انصافی محض است.

پس اگر می‌خواهیم سبک زندگی اصلاح شود جامعه را حرکت بدهیم. اگر می‌خواهیم فرهنگ اصلاح شود جامعه را حرکت دهیم. مدام از فرهنگ صحبت کنیم دردی دوا نمی‌کند. فرهنگ‌های دیگر را نقد کنیم، فرهنگ آرمانی اسلام را مدام بخواهیم حرف بزیم دردی دوا نمی‌کند. حرکت بدهیم. هر فرهنگی را که می‌خواهیم در جامعه مطرح شود، باید متناسب با آن فرهنگ، جامعه را حرکت دهیم تا آن فرهنگ در مردم بنشیند. اگر کشور ساکن شود مثل یک برکه به تدریج می‌گندد و جانورهای مختلف در آن رشد می‌کنند. هر هنری را که می‌خواهیم توی جامعه رشد کند باید متناسب با آن هدف هنری جامعه را به آن سمت حرکت دهیم.

در نتیجه حرکت جامعه است که فرهنگ و هنر نیز به وجود می‌آید. به عنوان مثال هنر انقلاب اسلامی، در دهه شصت شکل مناسبی به خود گرفت؛ و آن زمانی بود که جریانات انقلابی گری در جامعه وجود داشت. به تبع حرکت انقلابی، فرهنگ انقلاب و به تبع آن هنر انقلاب شکل گرفت و به تبع جریان حرکت انقلابی بود که جهاد سازندگی و بسیج مطرح شد! پس از آن دفاع مقدس واقع شد؛ امام(ره) فرمودند: «این جنگ نعمت خداست» با جریان این نعمت عظیم، فرهنگ مجاهدت و دفاع در جامعه شایع و متناسب با آن فرهنگ جهاد و ایثار در بین جوانان رواج یافت.

با گذشت زمان به تدریج برخی از این جریانات به دلایلی در کشور کمرنگ شدند و به تبع آن فرهنگ انقلابی و فرهنگ ایثار و جهاد نیز در برخی قسمت‌ها نیز کمرنگ گردید. گرچه برای جبران این ماجرا در بخش فرهنگ و هنر

عسکر نوروزی

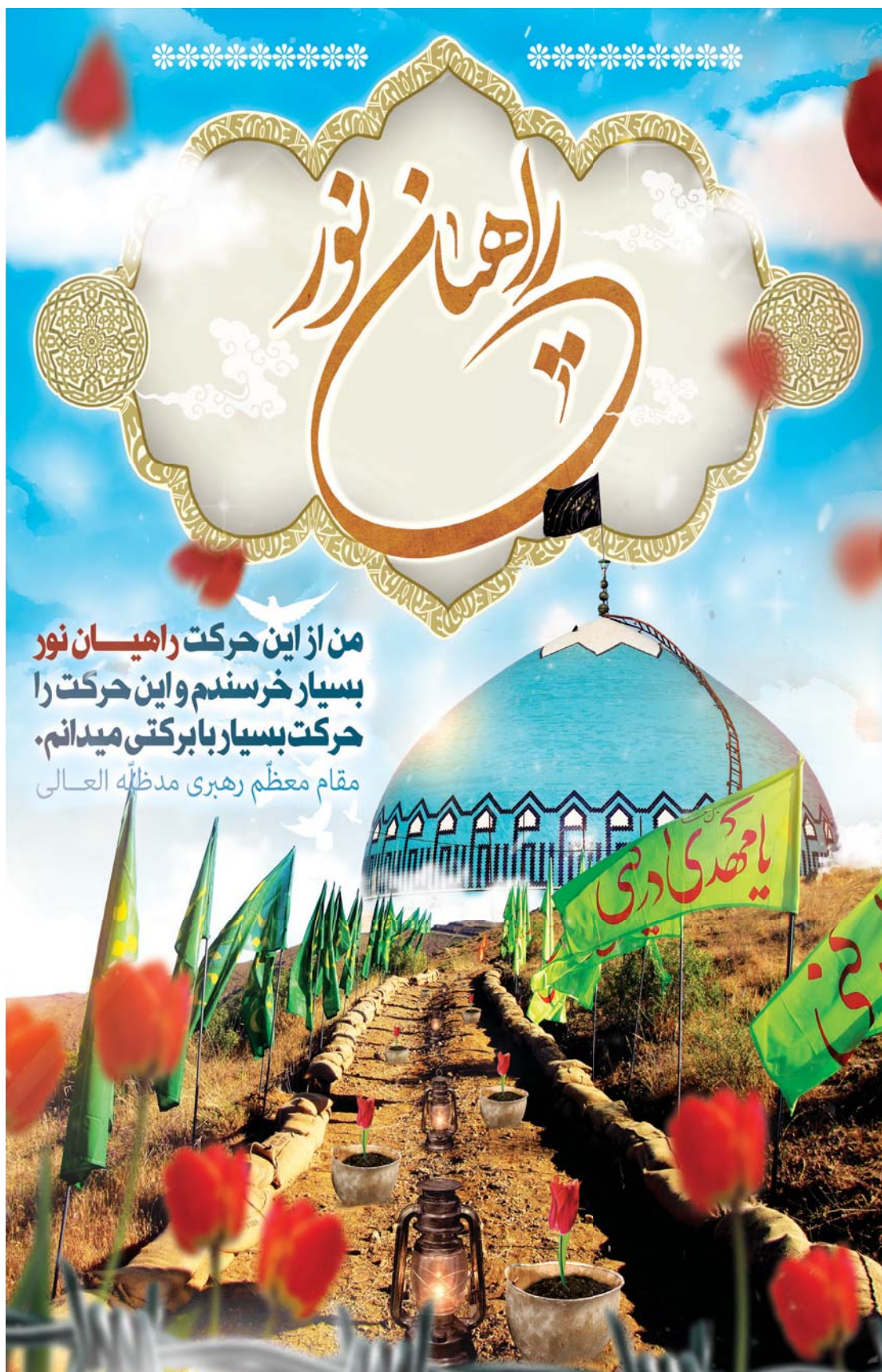
راهیان نور

طی طریق سنگر سازان بی سنگر

بخش اول

شروع رسمی راهیان نور از سال ۱۳۷۶ قید شده است. البته در این منابع به سفرهای خودجوش و مردمی در مناسبت های ملی و مذهبی، مانند دهه محرم و تعطیلات عید نوروز، به مناطق جنگی دوران دفاع مقدس به عنوان پیشینه این

وقتی سخن از راهیان نور به میان می آید؛ ذهن و نگاه ها بیشتر به سمت و سوی اردوهایی که در تعریف رسانه های عمومی تحت عنوان اردوهای «سیاحتی و گردشگری» است؛ معطوف می شود. این امر موجب می شود؛ تا ناخودآگاه کارکرد و نقش راهیان نور نزد بخش عظیمی از مخاطبان بالقوه آن، دچار کاستی در درک مفهوم معنوی آن گردد. در دیدگاه رسمی و براساس جستجو در منابع، تاریخ



سفرها ذکرى به میان آمده است؛ اما این دیدگاه رسمی، نهایتاً تا طرح اصطلاح «گردشگری تعالی بخش» از مفهوم راهیان نور، فراتر نرفته است.

در این نوشتار که اگر عمرى باقى بود به صورت سلسله وار عرضه خواهد شد؛ تلاش بر این است تا ضمن واکاوى تاریخی و مفهومی «اصطلاح راهیان نور» و نسبت آن با انقلاب اسلامى، از منظرى دیگر به آن نگاه کنیم و بر آن اساس، ظرفیت‌های معرفتى و به تبع آن دانش‌ها و فناوری‌های متناسب با آن راه، در حد وسع و توان اندک مان، شناسایی نماییم. به قول معروف: «آب دریا را اگر نتوان کشید؛ هم به قدر تشنگی باید چشید.»

یکی از مفاهیم و عناصر برجسته در نظام معرفتى معاصر که انقلاب اسلامى در چارچوب‌های نظرى و اقدامات عملى خود، بسیار از آن بهره گرفته است؛ اصطلاحات «از خود بیگانگی» و «بازگشت به خویش» هست که در متون و ادبیات متفکرین قبل از انقلاب به وفور یافت می‌شود. این مفهوم در طیف وسیعی از ادبیات انقلابی و تغییرخواه پیش از انقلاب با رویکردهای مختلف، به کار برده شده، از جمله با نگاه عرفانی انقلابی شریعتی که ریشه‌های عرفانی آن تا نظریات عرفانی شیخ شهاب‌الدین سهروردی و طرح مواردی چون گذر از «غربت غربیه» و «معرفت به انوار شرقیه» توسط شیخ اشراق کشیده شده است.

اصطلاح از خود بیگانگی از منظر متفکری مانند جلال آل احمد مترادف «غریزدگی» است. نفی غریزدگی از منظر سیاسى و اجتماعى، منتج به نوعی از بومی‌گرایی و توجه به داشته‌های خودی و نفی تمنای از بیگانگان به ویژه قدرت‌های مسلط جهانی قرن بیستم، یعنی آمریکا و شوروی به عنوان راه نجات و استقلال، از سوی اندیشمندان انقلابی معاصر، شناخته شد.

رواج اندیشه‌های بازگشت به خویش با ترکیب عرفانی و سیاسى در بین جوانان تحصیل کرده علاقمند به کارهای اجتماعى و فرهنگى در قبل از انقلاب، منجر به پیدایش مفهومی بنام «هجرت به ریشه‌ها و روستاها» شد.

نگاه این مهاجرین به روستاها، نوعی دادوستد فرهنگى بود؛ به این نحو که مهاجرین از یک سو ظرفیت‌ها و داشته‌های دانشى و معرفتى روستاها را با حرمت‌گذاری به

رسمیت می‌شناختند و از دیگر سو ضمن به روزسازی این منابع معرفتى، به رفع کاستی‌های «توسعه و پیشرفت» روستاها و نقاط محروم، همت می‌گماردند. رواج این تفکر با طلوع‌های فراگیر شدن انقلاب اسلامى عموماً در شهرها همزمان است؛ انقلابی که درکلام رهبر کبیرش از بعد سیاسى، نه شرقى و نه غربى و منادى بازگشت به اسلام ناب محمدى و رفع محرومیت از مستضعفین است.

رفع خرابی‌ها و عقب ماندگی‌هایی که عمدتاً ناشى از تسلط و تاراج بیگانگان بر منابع و ذخایر کشور بود؛ از جمله مواردی است که به کرات در اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های روزانه رهبر انقلاب در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامى قابل مشاهده است. پیروزی انقلابی که به تعبیر امام انقلاب، «انفجار نور» بود؛ ضرورت محرومیت زدایی و بردن پیام انقلاب به روستاها را بیش از پیش نمایان ساخت؛ مضافاً این که به دلیل بافت قومى و جمعیتى روستاها به ویژه در مناطق مرزى و امکان حضور ضدانقلاب، حضور نیروهای انقلاب حامل نور و سازندگی در این مناطق، از روزهای اول پیروزی انقلاب در دستور کار سران انقلاب قرار داشت.

فرمان تشکیل جهاد سازندگی و باز تعریف مفهوم جهاد در جغرافیای دیگری از هستى شناسى معرفتى انقلاب اسلامى، اتفاق مبارکى بود که با پیام و حمایت‌های بی دریغ امام خمینى (ره) به منصف ظهور رسید. ایشان در پیام آغازین خود، کمک به این نهادنوپای انقلابى را از زیارت‌های مستحبى اماکن متبرکه واجب‌تر دانسته و این امر به نوبه خود نشان از عمق اعتقاد ایشان نسبت به این نهاد و جهادگران این عرصه داشت.

روستاها و مناطق محروم از یک سو حامل اندیشه‌ها و دانش‌های بومی بکر و دست نخورده و از سوی دیگر خط مقدم تولید و نیل به خودکفایى و عدم وابستگی به ابرقدرت‌ها محسوب می‌شدند. نیاز به نیروهای تحصیل کرده برای آبادانى و نیاز جوانان انقلابى به «تزکیه و خودسازی»، موجب راه اندازی «اردوهای جهادی» در اولین تابستان پس از پیروزی انقلاب شد. اشتیاق به خدمت و توجه به ریشه‌های فرهنگى در کنار استقبال روستاییان و محرومان از «اهل هجرت» به روستا، طلوع‌های اولیه «طی طریق»

و نوعی «سلوک جهادی و معنوی» را در نهاد جوان انقلابی جهاد سازندگی قابل مشاهده ساخت.

حضور جهادگران در مناطق محروم به ویژه مناطق بحرانی مرزهای شرقی و غربی کشور، به قوام و عمق بخشی به مفهوم نوین جهاد و نوعی از «عرفان در میدان» منجر شد؛ خاصه آن که این عارفان انقلابی و مریدان امام خمینی در مقام عینیت بخشی به این سلوک معنوی، از بذل جان هم دریغ نداشتند. شهادت جهادگران سازندگی بومی و مهاجرین در مناطق ملتهب، در کنار راه سازی و فراهم آوری آب و برق برای روستاییان، گواه دیگری بود؛ بر طی طریق «پیروزی خون بر شمشیر».

همین جهادها و خودسازی ها، منجر به پدیدار شدن فرماندهان، کادرها و نیروهای مردمی جبهه های «نور علیه ظلمت» در دوران دفاع مقدس و ساخته و آبدیده شدن آنان در راهیان نور مناطق محروم شد.

جنگ موجب همزمانی دو جهاد در دو جبهه سازندگی و دفاع مقدس گردید. در منظومه هستی شناسی جهاد سازندگی که مبتنی بر اسلام ناب محمدی با قرائت امام خمینی (ره) بود؛ همه چیز حول خلیفه اللهی شدن انسان و مستضعفین، شکل گرفته بود. حفظ جان رزمندگان به عنوان عصاره عشق و ایثار ملت ایران، برای جهادگران اصلی ترین ملاک حضور در عرصه نبرد بود؛ به گونه ای که آنان مفهوم «جانم را جان پناه تو»، با اصطلاح «سنگر ساز بی سنگر» به شکل عینی تجلی بخشیدند.

ادامه دارد.....

حضور جهادگران در مناطق محروم به ویژه مناطق بحرانی مرزهای شرقی و غربی کشور، به قوام و عمق بخشی به مفهوم نوین جهاد و نوعی از «عرفان در میدان» منجر شد؛ خاصه آن که این عارفان انقلابی و مریدان امام خمینی در مقام عینیت بخشی به این سلوک معنوی، از بذل جان هم دریغ نداشتند. شهادت جهادگران سازندگی بومی و مهاجرین در مناطق ملتهب، در کنار راه سازی و فراهم آوری آب و برق برای روستاییان، گواه دیگری بود؛ بر طی طریق «پیروزی خون بر شمشیر».

تجربه های کار جمعی در جهاد سازندگی به روایت حسینعلی عظیمی

علی مشایخی - محمدرضا حسینی

کتاب رسم جهاد ۱ بخش اول

کتاب رسم جهاد ۱ که اکنون چاپ ششم آن روانه بازار کتاب شده است، در شهریورماه سال جاری حائز رتبه دوم جایزه روایت پیشرفت شد. ماجرای این کتاب از یک سوال شروع شد «در جهاد چگونه با هم کار میکردید؟» این سوال را سال ۹۲ از مرحوم مهندس حسینعلی عظیمی پرسیدیم و ایشان گویی که کاملاً به این سوال فکر کرده بود و منتظر بود کسی بیاید و پرسد، به دقت و به تفصیل در طی جلساتی به این سوال پاسخ داد. حاصل پیاده سازی و ویرایش و تدوین آن پاسخ، کتابی است که قصد داریم بخش هایی از آن را در نشریه سنگر سازان بی سنگر در طی چند شماره، منتشر کنیم. منتظر نظرات، پیشنهادها و دیدگاه های تمام مشتاقان، صاحبان اندیشه و پیشکسوتان عرصه جهاد فرهنگی هستیم.

آغاز

برگشت از پاوه و قرار در نماز جمعه
من [مهندس حسینعلی عظیمی] و چند نفر دیگر از بچه ها در
پاوه همراه شهید چمران بودیم. بعد از پایان عملیات پاوه و نوسود و بازگشت
از پاوه، متوجه شدیم جهاد تشکیل شده است. قبل از ورود به جهاد با بچه هایی که در
پاوه با هم روابط دوستانه ای داشتیم، قرار گذاشتیم نماز جمعه محل ملاقات و تجدید دیدارمان
باشد؛ امام (ره) در همان اوایل انقلاب، فرمان برگزاری نماز جمعه را داده بودند. یادم است هنگام برگزاری
اولین نماز جمعه تهران، من هم در شهر بودم و در نماز شرکت داشتیم. تابستان به حدی داغ بود که آب به صورت مان
می زدیم تا بتوانیم گرمای هوا را تحمل کنیم. جمعیت بسیار زیادی به دانشگاه آمده بودند و مرحوم آیت الله طالقانی نماز
جمعه را اقامه کردند.

حضور در جهاد

پس از مدتی گفتیم حیف است این قدر همدیگر را کم ببینیم. کمکم تصمیم گرفتیم به جهاد برویم. بعد هم، دیدیم فایده ندارد حضور در جهاد فقط جمعه‌ها باشد، تصمیم گرفتیم به یک منطقه محروم برویم و آنجا بمانیم و کار کنیم. با حضور دائم می‌شد وضعیت روستا را درک کرد و برای بهبود وضعیت آن طرحی ارائه داد؛ به خصوص که من مهندس و برنامه‌ریز بودم و می‌توانستم این طراحی را انجام دهم. بعد از تصمیم‌گیری به امور داوطلبین در ساختمان جهاد رفتیم و گفتیم می‌خواهیم به منطقه‌ای در انتهای استان کرمان یا یزد برویم. صرفاً سؤال می‌کردند که اسم‌مان چیست و چند نفر همراه ما هستند. سپس برایمان حکم مأموریت نوشتند که برادران جهادی، فلانی و فلانی به فلان منطقه برای جهاد سازندگی اعزام

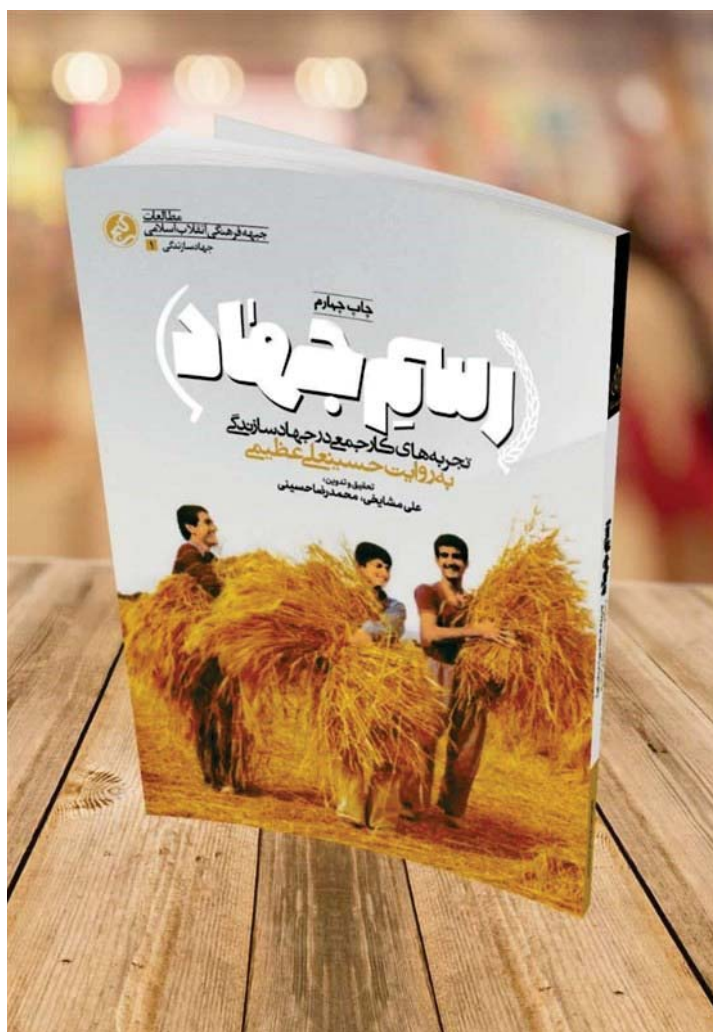
می‌شوند. همین! تمام شد. بعد کاغذی به دست ما می‌دادند و می‌رفتیم؛ که به همان کاغذ هم هیچ جایی نیاز نبود. فقط اگر یک وقت کسی به ما می‌گفت «شما با جهاد ارتباط دارید؟» می‌گفتیم «بله، ما از جهاد مأمور شدیم».

برای شروع فعالیت هم، پول و ماشین و چیز دیگری در کار نبود. باید خرج راه را خودمان می‌دادیم. یا باید ماشین می‌داشتیم که هزینه بنزین هم با خودمان بود و یا باید با اتوبوس یا پیاده مسیر را می‌رفتیم. آن امور داوطلبین یا همان امور جهادگران، فقط به تمامی داوطلبین نامه می‌دادند. هنوز نظام‌های اداری در جهاد حاکم نبود و کار شورای مرکزی همین معرفی کردن و انجام مکاتبات مرتبط با آن بود. برای مثال، اینطور معرفی نامه می‌دادند که «وزارت صنایع؛ این افراد سیمان لازم دارند، به آنها سیمان بدهید». اصلاً اطلاعی نداشتند که وزارت صنایع سیمان دارد،

یا اصلاً این موضوع ارتباطی با وظایف این وزارتخانه دارد یا نه.

نحوه ورود داوطلبانه مردم و کارمندان دولت به جهاد

شکل‌گیری جهاد یک تجربه انجام شده‌است و دیگر تکرار نمی‌شود؛ الان آن‌طور نیست. دیده‌اید که مثلاً برای روز نیکوکاری اعلام می‌کنند هر کسی که داوطلب است بیاید؛ نهاد یا نهادهایی هم محور انجام این کار هستند؛ مثلاً هلال احمر یا کمیته امداد، چند اعلامیه هم در صدا و سیما منتشر می‌شود و بعد هم در هر محله‌ای چند نفر داوطلب می‌نشینند و مردم برای کمک می‌آیند. حالا فکر کنید به همین شکل داوطلبین اسم بنویسند و به روستا بروند، یک راننده مینی‌بوس هم برای بردن این افراد به روستا اعلام



شعار جهاد «همه با هم» بود؛ این، کلمه خیلی مهمی است. در تاریخ توسعه دنیا این کلمه با جهاد سازندگی مطرح شده است و می‌گویند برترین شعار توسعه دنیا همین «همه با هم» است، که از جهاد سازندگی امام خمینی (ره) در آمده. الان این شعار، هم در فائو، هم در یونیدو، هم در یوان.دی.پی و هم در سازمان ملل مطرح است.

شیر، یکی گندم، یکی جو، یکی محرومیت‌زدایی از فلان روستا، دیگری محرومیت‌زدایی از کردستان، دیگری از فارس، دیگری از سیستان بلوچستان و ... ولی روح اهداف یکی بود. جهت اصلی همان فرمان امام بود که ما وابستگی‌ها و محرومیت‌ها را از بین ببریم. بچه‌های جهاد به روستا می‌رفتند، ایام دروی گندم هم بود. همیشه در این فکر بودند چه کار کنند که این روستایی‌ها از محرومیت خارج شوند و خودشان بتوانند کارشان را ساده‌تر انجام دهند. می‌دیدند که بچه‌های شهری نمی‌توانند خوب درو کنند، یا داس به اندازه کافی نیست و اگر می‌خواستند داس بخرند به این مقدار در ابزارفروشی‌ها موجود نبود. چه کنند که روستایی‌ها درآمد بیشتری کسب کنند، افت تولید محصول آنها کمتر شود و بهره‌وری فعالیت آنها بالاتر برود و ... خلاصه همه چیز را نگاه می‌کردند. وقتی امام (ره) فرمان داده بودند، همه وظیفه خودشان می‌دانستند در راستای اجرای آن تلاش کنند. اگر کسی چیزی برخلاف این دیدگاه می‌گفت، دیدگاهش خیلی عجیب تلقی می‌شد و طرد می‌شد. هر کسی فکر می‌کرد که چه کاری می‌شود در این جهت انجام داد.

شعار جهاد «همه با هم» بود؛ این، کلمه خیلی مهمی است. در تاریخ توسعه دنیا این کلمه با جهاد سازندگی مطرح شده است و می‌گویند برترین شعار توسعه دنیا همین «همه با هم» است، که از جهاد سازندگی امام خمینی (ره) در آمده. الان این شعار، هم در فائو، هم در یونیدو، هم در یوان.دی.پی و هم در سازمان ملل مطرح است. این شعار با مشارکت تفاوت دارد. در ادبیات رایج دانشگاهی، مشارکت مفهوم خاص خودش را دارد که تعریف شده، و تعریفش غربی است.

تفاوت‌های جهاد با دیگر ادارات

بزرگ‌ترین تفاوت محیط جهاد با محیط ادارات دیگر این بود که محیط ادارات با قوانین موجود و سابقه گذشته‌اش و آدم‌هایی که با آن قوانین شکل گرفته بودند، بسته شده بود و حتی برای آن کاری که می‌خواستند انجام بدهند هم جواب نمی‌داد. اگر مأموریتش می‌خواست عوض شود، باید قوانینش عوض می‌شد؛ چون کسی نمی‌توانست کار دیگری انجام دهد. در مقابل، جهاد تازه تشکیل شده بود و

آمادگی کند. بچه‌های جهاد به این راننده می‌گفتند «همین جا بایست» و هر کسی می‌آمد می‌گفتند «برو سوار این مینی‌بوس بشو». اصلاً شکلش به همین سادگی در آمد. آن زمان من تهران نبودم، در این زمینه خاطرات برادرانی که در تهران بودند خیلی مهم است، بعضی از اینها مصاحبه کرده‌اند و خاطراتشان مکتوب شده است.

این شروع کار بود. در ادامه به تدریج، شورای انقلاب شروع به تصویب مصوباتی کرد که ادارات می‌توانند به جهاد امکانات بدهند و افراد می‌توانند به جهاد مأمور بشوند. نیروهای مذهبی از ادارات، از آموزش و پرورش و از دانشگاه‌ها طرف جهاد آمدند و این سازمان مردمی شکل گرفت.

روح مشترک اهداف

جهت‌ها یکی بود. ولی هر کس هدفی متفاوت را دنبال می‌کرد. یکی خودکفایی گوشت را تعقیب می‌کرد؛ یکی

معنوی متعالی می‌شد که ظرف یکی دو ماه می‌توانستید بوی شهادت را از او استشمام کنید. همه این چهار مورد با هم در جنگ بود، در توسعه روستایی بود، در جهاد کردستان بود. این رشد، هم برای مردم رقم می‌خورد، و هم برای نیروهای جهادی، که به طریق اولی وجود داشت.

وقتی شما دنیا را نگاه می‌کنی می‌بینی ایمان نیست. همت باید ناشی از ایمان باشد که یک همت با ارزش شود. برخی برای شرکت‌شان تعصب درست می‌کنند. مثل شرکت «تویوتا» در ژاپن که کارمند حاضر است فدای تویوتا بشود ولی مارک تویوتا در دنیا اول باشد. کارگر را اینطوری تربیت می‌کنند؛ یکی دیگر برای کشورش، که آن کشور در دنیا حرف اول را بزند. اما اگر با انگیزه ایمانی همت او را بالا ببری به نقطه اوجی فراتر از این مراحل می‌رود. این دانشی که فرد با ایمان در یک ماه یاد می‌گرفت، یک مهندس خارجی در دو سال یاد می‌گیرد. لذا این عامل، باعث جهش می‌شود؛ و در جهاد، نیروی انسانی جهشی بالا می‌رود.

وقتی به یک مدیر اختیار می‌دهی، تمام آنچه که می‌خواهد یاد بگیرد را صد برابر سریعتر یاد می‌گیرد تا اینکه بخواهد مدیریت را در دانشکده بخواند. این حرف معروفی است که «آموزش جهاد در حین کار بود». حسن جهاد یادگیری و آموزش است چون آدم در عمل آموزش می‌بیند. شهید بهشتی می‌گفت بزرگ‌ترین ثروت ما این مدیرانی اند که در

نیروها از این قیود رها بودند. خودشان کارمند همان اداره کشاورزی بودند یا در شرکت دیگری کار می‌کردند، ولی وقتی برای اجرای آن هدف خاص به جهاد می‌آمدند، آزاد بودند که به هر نحو که می‌خواهند فکر و با هم تقسیم کار کنند. این آزادی عمل و هدف مشترک باعث می‌شد هر ساختاری که ایجاد می‌شود در راستای همان هدفی باشد که می‌خواستند. هیچ چیز اضافه‌ای در سازمان جهاد وجود نداشت.

در اوایل کار، بروکراسی هنوز در جهاد به وجود نیامده بود. ولی بعد از مدتی، خود نیروها به این نتیجه رسیدند که این سازمان نیازمند به نظم است؛ و آن نظم نیز یک بروکراسی ایجاد می‌کند، ولی نه آن بروکراسی مرسوم، بلکه نظامی منطبق با اهداف تشکیل جهاد.

از نظر جهادی‌ها مهم‌ترین بخش در سازندگی، انسان است. محور تمام توسعه‌ها و تمام ساخت‌ها انسان است. کشور عقب‌افتاده، آدم‌هایش عقب‌افتاده‌اند و کشور پیشرفته، آدم‌هایش پیشرفته‌اند؛ بقیه عناصر سازندگی و پیشرفت فرع بر قضا یا است. وقتی انسان را در روستا بالا می‌کشی روستا توسعه پیدا می‌کند. ارزش انسان با چه بالا می‌رود؟ با چهار چیز؛ یک، ایمان، نه با موعظه بلکه با رفتار؛ دو، دانش؛ سه، بصیرت، که فکر نکند دنیا به همین کوچکی است که می‌بیند؛ چهار، از همه مهم‌تر، همت. حرف جهادی‌ها

با یک روستایی این بود: «تو انسان و خلیفه خدا هستی، چرا فقط یک روستا را آباد کنی؟ بیا انقلاب اسلامی را پیش ببر، کشور را نجات بده، مستضعفین را نجات بده». این کار فقط در روستا نبود، در جبهه هم اتفاق می‌افتاد. یک جوان روستایی که به جبهه می‌آمد طوری از لحاظ



هشت یا ده سال همه اینها به صورت انفجاری حل شد؛ به خصوص در سه چهار سال اول. اما بعد از وزارتخانه شدن کمی سرعت ملایم‌تر شده بود؛ کارها به صورت سیستماتیک جلو می‌رفت یعنی اطلاعات فنی، سیستم‌های کلیدی، برنامه‌ریزی‌های فنی کار و تدارکات و ... حاکم شده بود. اما تصمیم‌گیری‌ها کندتر و بروکراسی بیشتر شده بود.

البته قبل از آن هم نیروهای جهادی به سمتی رفته بودند که کارها منظم شود و برای انواع مراجعاتی که روستایی‌ها دارند یا کارهایی که کمیته‌ها و واحدها می‌خواهند اجرا کنند، دستورالعملی تهیه شود. این هم به توان مدیریت آن مدیران و شورای مرکزی استان‌ها بستگی داشت که چقدر نیروهایشان قوی و مهندس‌هایشان باسابقه بودند و چقدر سابقه مدیریتی منظم داشتند. تقریباً کارها را منظم کرده بودند که هم تدبیر جامع بشود و هم کسی معطل نشود و هر که می‌آید، زود تکلیفش روشن شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱- این جهاد یک مفهومی است غیر از آن مفهوم جهاد که در قرآن و اسلام اشاره شده است، البته بی‌ارتباط با آن نیست ولی بار مفهومی اضافه‌ای دارد. آن مفهوم این است که به نیروهای «سازمان جهاد سازندگی» که امام تشکیل داده بود «جهادی» می‌گفتند. شروع این معنا در تاریخ، از انقلاب اسلامی و تأسیس سازمان جهاد سازندگی است.

جهاد تربیت می‌شوند. جهاد چیز دیگری ندارد. شما تمام مسئولین سی سال گذشته انقلاب را که نگاه کنید اکثر آنها اول در جهاد بودند. شهید بهشتی این را می‌فهمید. برخی می‌گفتند «اینها پول مملکت را هدر می‌دهند تا یک پروژه اجرا کنند. اصلاً مسائل فنی‌اش مراعات نشده». در جواب می‌گفت «اگر ما می‌خواستیم این نیروها را تربیت کنیم باید ده برابر این هزینه را در دانشگاه‌ها پرداخت می‌کردیم تا اینها ساخته شوند و مدیران کشور بشوند». او می‌فهمید که اصل، انسان است، انسان‌سازی؛ و این چهار اصلی که گفتم با هم است. اگر تنها با یکی بالا بروی می‌شود مثل موجودی که یک پایش لنگ است و پای دیگرش بزرگ و پرتوان. آدم باید موزون ساخته بشود؛ اینها در جهاد اینطوری ساخته می‌شدند.

سرعت زیاد خدمت رسانی قبل از وزارتخانه

شدن

کار آب‌رسانی، برق‌رسانی، راه‌سازی و ... در روستاهای حتی کوچک و بیست خانواری خیلی سریع پیش می‌رفت. شما الان نمی‌توانید تصور کنید، ما در خیلی از روستاها شب از چراغ‌های تلمبه‌ای نفتی استفاده می‌کردیم یا خیلی از روستاها آب نداشتند. این وضعیت شامل روستاهای بزرگ صدخانواری با ۷۰۰ نفر جمعیت هم می‌شد، نه فقط یک روستای بیست خانواری کوچک که الان در گوشه بشاگرد پیدا شود. الان دیگر بیست خانوار به پایین را روستا حساب نمی‌کنند. در دین هم مستحب است که اینها به جای بزرگ‌تری بروند و زندگی کنند. اگر خیلی از جامعه دور باشند، خودشان و بچه‌هایشان به زحمت می‌افتند و خدمات برایشان خیلی گران می‌شود. من جایی با زن و بچه‌هایم زندگی کرده‌ام که بچه‌ها هر روز برای مصرف‌مان باید ظرف بیست لیتری را از چشمه آب می‌کردند و می‌آوردند. خوب، این مشکلات بوده است؛ ولی خدا را شکر، در مدت هفت،



خود افراد تشخیص می‌دادند که نیاز چیست و چه باید کرد. (ده روایت از پیشکسوتان و مدیران جهاد سازندگی، ۱۳۹۵، زنده باد جهاد، انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ص ۲۰)

- برای اولین بار این خود حضرت امام خمینی (ره) بودند که در فرمان تشکیل جهاد سازندگی عبارت «همه با هم» را برای سازندگی کشور به کار بردند: «دانشجویان عزیز، متخصصین، مهندسين و بازاری، کشاورز، همه قشرهای ملت، داوطلب برای این است که ایرانی که به طور مخروبه به دست ما آمده است بسازند. از این جهت، باید ما بگوییم یک جهاد سازندگی، موسوم کنیم این جهاد را به «جهاد سازندگی» که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسين و متخصصین، شهری و دهاتی، همه با هم باید تشریک مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است بسازند.»

. فائو (FAO)، یونیدو (UNIDO) و یوان.دی.پی (UNDP) از سازمان‌های توسعه دهنده کشورهای جهان سوم وابسته به سازمان ملل متحد هستند.

- در همین رابطه مهندس محمدتقی امانپور از موسسین جهادسازندگی در مصاحبه‌ای با ما می‌گوید: زمانی که بنده در شورای جهاد استان خوزستان بودم به علت فقر امکانات و تجهیزات در جهاد در حین مصاحبه‌ای رادیویی اعلام کردم شورای انقلاب اگر انقلابی است باید فوراً امکاناتی که متعلق به شرکت‌های خارجی فرار کرده از ایران است را در اختیار جهاد سازندگی قرار دهد. در آن زمان شهید بهشتی عضو شورای انقلاب و متولی جهادسازندگی بود. نحوه بیان من اصلاً درست نبود و می‌بایست با من برخورد می‌شد. اما در کمال ناباوری ایشان دو ساعت بعد، جلسه شورای انقلاب را تشکیل داد و از ایده من در برابر انتقادات دیگر اعضا حمایت کرد و ظرف مدت کوتاهی این امکانات در اختیار جهاد قرار گرفت. شاید اگر فرد دیگری در شورای انقلاب متولی جهادسازندگی می‌شد این نهاد و بدنه نیروی انسانی آن به آن سرعت رشد نمی‌کردند. اعتماد و میدان دادن ایشان به جهادی‌ها زبانزد عام و خاص بود.

پس وقتی می‌گوییم «جهادی»، منظورمان نیروهای جهاد سازندگی دوران امام خمینی (ره) و دوران جنگ است. اول انقلاب نهادهای جدیدی تأسیس شدند، سپاه، جهاد، کمیته، بنیاد مستضعفان و ... اوایل به نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به صورت خلاصه «پاسدار» می‌گفتند، بعدها به «سپاهی» معروف شدند. به نیروهای ارتش جمهوری اسلامی هم می‌گفتند «ارتشی». در جنگ، سپاه و ارتش و جهاد حضور داشتند؛ و ظاهرشان، سازمانشان، نظامشان، تشکیلاتشان، اخلاق حرفه‌ای‌شان و همه چیزشان با هم فرق داشت. از روی تک‌تک مشخصات ظاهری و اخلاقی افراد می‌شد مشخص کرد که در کدام قسمت فعالیت می‌کنند. مثلاً ارتشی پوتینش مرتب‌تر بود، بچه‌های جهادی پوتین نداشتند، چون نیازشان از طریق کمک‌های مردمی تأمین می‌شد، مردم هم از شهرستان‌ها کتانی می‌فرستادند که خیلی هم زود پاره می‌شد. قیافه جهادی‌ها همه‌جا مشخص بود، کفش‌ها هر کدام یک فرم، لباس هر کسی یک جور. تنها چیزی که بچه‌های جهاد همگی داشتند چفیه بود. چفیه اول از بچه‌های جهاد شروع شد که ابزار بود و بعد شد ابزار همه نیروهای سپاهی و بسیجی. چفیه را بچه‌های جهاد باب کردند، ایستگاه صلواتی همین طور و خیلی از ابتکاراتی که بعداً سپاه و ارتش و بسیج از آن استفاده کردند. ما نمی‌خواهیم بین این نهادها ارزش‌گذاری کنیم، بلکه می‌خواهیم تفاوت را بیان کنیم، می‌گوییم این باغ گل‌های مختلفی دارد و هر گلی بویی دارد و لذا باید ویژگی‌هایشان را درک کنیم. (مهندس عظیمی)

- در آن برهه، بسیاری از مردمی که به جهاد کمک می‌کردند، روزهای جمعه به روستاهای اطراف شهر خود می‌رفتند و کارهایی مانند برداشت گندم و نظیر آن را انجام می‌دادند.

- با هجوم و اشتیاق انبوه مردم برای حضور در این حرکت همگانی، مهم‌ترین اقدام ابتدایی جهاد سامان دادن به جریان اعزام نیرو بود... در شرایط اولیه تشکیل جهاد از همه اقشار برای حضور در این حرکت همگانی شرکت می‌کردند و دیگر جمعیت بود که به صورت خودجوش روانه روستاها می‌شد. در ابتدا برنامه‌ریزی جامعی وجود نداشت.

فتح الله نادعلی

ملت؛ انقلاب؛ چرا؟

واکاوی منصفانه و پژوهش محور پیرامون چرایی اراده ملت در ظهور انقلاب اسلامی

جای گذاشته است. در کالبدشکافی تعاریف انقلاب به مؤلفه هایی نظیر دگرگونی بنیادین و ساختاری، تغییر نهادها، جابه جایی نخبگان، خشونت و بی نظمی و... برمی

انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) را باید از بزرگترین رخدادهای جهانی و نسبت به جهان اسلام، بی بدیل بدانیم. این انقلاب نقشی حیاتی در بیداری امت اسلامی داشته و اثرات شگفت آوری را در احیای جهان اسلام و گرایش ملت ها به سمت آزادی و استقلال به

اخلاق نیک و خلیات اسلامی پسندیده در بین آنها شیوع پیدا کند.» - «انقلاب برای حاکمیت اسلام بود. مردم هم که این انقلاب را به پا کردند و امام را پذیرفتند؛ برای انگیزه اسلامی بود.»

بدون هیچ شکی برای یافتن دلایل منطقی رخداد انقلاب اسلامی و قبل از هرگونه پیش داوری باید به واقعیات موجود در حکومت پهلوی و شرایط ایران و نظام سیاسی حاکم بر آن دوران پرداخته شود. نگاه پژوهش محور و مبتنی بر اسناد و شواهد متقن، به دوران شاه و چالش ها و اثر چالش های موجود در آن حکومت می تواند؛ راه گشای قضاوت صحیح نسلی باشد که آن دوران را لمس نکرده و کمتر به بررسی کارشناسی و واقع گرایانه آن دوران پرداخته اند. نسلی که یا بر اساس نقل بی منطق ناقلان، در آفت «خود تعریفی» قرار گرفته و نسبت به تعریف بدون استدلال خویش اصرار می ورزند؛ یا بر اساس هجمه خبری هدفدار مخالفان نظام اسلامی و طرفداران نظام آمریکایی شاه، راه برای دریافت حقایق برایشان تار شده است و یا نظراتشان عملاً عکس العمل سختی های ناشی از مشکلات فراروی زندگی آنان شده است.

در رابطه با پدیداری «انقلاب اسلامی» و علل و انگیزه های شکل گیری آن نقطه نظرات متفاوتی از سوی صاحبان اندیشه های مختلف ارائه شده است؛ از جمله:

* عده ای انجام توسعه بدون برنامه ریزی و سعی در یک سلسله اقدامات برای مدرنیزه کردن شتاب آلود کشور از سوی رژیم پهلوی؛ و اقدامات عجولانه و عدم درک واقعیتهای اجتماعی و در نتیجه ایجاد شکاف عمیق بین اکثریت جامعه و رژیم شاه را موجبات تضاد و بالاخره رویارویی سیاسی و مذهبی و نهایتاً بروز انقلاب اسلامی می دانند.

* گروهی مسائل اقتصادی و فاصله طبقاتی عمیق بین ثروتمندان (عمدتاً از خانواده پهلوی و اطرافیان آنها) و عمیق تر شدن فاصله حاکمان با طبقه فقیر جامعه، گسترش ظلم بی عدالتی با حمایت مستقیم حکومت و افزایش نارضایتی های اجتماعی ناشی از آن را دلیل ظهور انقلاب می شمرند.

خوریم که بر اساس تحلیل انقلاب های جهان، در تعریف انقلاب جای گرفته اند. وقوع انقلاب اسلامی ایران که یکی از بزرگ ترین پدیده های تاریخ در قرن بیستم بوده و در زمره مهم ترین جنبش های سیاسی - اجتماعی به شمار می آید، تعاریف موجود و نیز نظریه های انقلاب را به چالش کشید و ضرورت ارائه تعریف جدیدی از انقلاب را به دنبال آورد.

برای شکل گیری هر انقلاب سه عنصر لازم است؛ عنصر فکری یا همان ایدئولوژی، مردم و رهبری. هرگاه این سه عنصر با جهت گیری یکسان در جامعه ای شکل گیرد؛ می تواند منجر به ظهور انقلاب برای ایجاد یک تحول مورد تایید مکتب و ایدئولوژی و مورد نظر رهبر و مردم قرار گیرد. در خصوص بروز انقلاب اسلامی می توان گفته که این سه عنصر با قدرت تمام در کنار هم قرار گرفت و منجر به ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی گردید. قبل از ورود به بحث اصلی بهتر است؛ به بخشی از بیان حضرت امام (ره) در ارتباط با چرایی بروز انقلاب اسلامی در ایران اشاره کنیم؛ ایشان در پاسخ به سوال خبرنگار مجله آلمانی اشپیگل می فرمایند: «سبب اصلی قیام مردم کشور، شخص شاه و رژیم اوست، این پدرش و خود اوست که طی پنجاه و پنج سال، اولاً، با اسلام باکینه توزی دشمنی کرده اند و در هدم اسلام به عنوان حافظ آزادی و استقلال کشور کوشیده اند. ثانیاً، تمام آزادی ها و حقوق ملت مصرح در قانون اساسی را از میان برده اند. و ثالثاً، استقلال کشور را به کلی از میان برده اند. تمام بنیادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که این ملت طی قرون برای زندگانی مستقل خویش فراهم آورده بود، به وسیله این رژیم از میان برده شده است.»

و نیز برخی از قطعات سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی را نیز در این خصوص مرور کنیم: «قبل از انقلاب آزادی فکر، آزادی بیان و آزادی تصمیم گیری نبود. مردم این را نمی خواستند؛ می خواستند این ها باشد.» - «هدف انقلاب در درجه اول این بود که نظامی در داخل کشور به وجود بیاورد که وابسته نباشد؛ بلکه مستقل باشد.» - «رواج اخلاق فاضله یکی از ارزش ها بود؛ مردم مایل بودند که

**نگاه پژوهش محور و
مبتنی بر اسناد
و شواهد متقن،
به دوران شاه و
چالش‌ها و
آبر چالش‌های
موجود در آن حکومت
می‌تواند؛ راه گشای
قضاوت صحیح
نسلی باشد که آن
دوران را لمس
نکرده و کمتر به
بررسی کارشناسی و
واقع گرایانه
آن دوران
پرداخته اند.**

پهلوی با اسلام را باید از زمان پهلوی پدر مورد بررسی قرار داد. با روی کار آمدن رضا شاه و پس از این که وی پایه های قدرت خود را محکم نمود؛ مبارزه با مذهب و شعائر آن جزو اصول رسمی حکومتی شد. مساله کشف حجاب و ممنوع کردن پوشیدن لباس بومی و حتی ممانعت از برگزاری مراسم مذهبی در این دوره، باعث بروز اولین درگیری های میان مردم و رژیم پهلوی گردید و این رژیم را در اذهان به عنوان رژیمی نه تنها غیر مذهبی بلکه ضد مذهب ترسیم نمود. اقدامات ضد مذهبی حکومت در دوره محمد رضا شاه نیز ادامه یافت. وی نیز مانند پدرش با سیاست های مختلف در پی تغییر فرهنگ دینی مردم ایران بود و آداب و بدعت هایی ناسازگار با اعتقادات اسلامی را به جامعه تحمیل کرد. ظهور حزب رستائیز در این دوره دقیقا به همین منظور بود. این حزب، شاه را چونان رهبری معنوی و سیاسی معرفی می کرد. علما را مورد حمله تبلیغاتی قرار می داد و در کنار این ادعا که ایران به سوی «تمدن بزرگ» پیش می رود؛ تاریخ شاهنشاهی جدید را به جای تقویم اسلامی به کار برد. بی حجابی برای زنان نیز از جمله تبلیغات این حزب بود. در این مقطع برای کنترل کتاب های دینی، تنها مرکز مجاز انتشار کتاب مذهبی اداره اوقاف معرفی شد و برای جلوگیری از رسوخ اسلام فقهاتی و ممانعت از تبلیغ اسلام ناب از سوی روحانیون آگاه، دانشکده الهیات را مأمور تشکیل سپاه دین و گسترش اسلام راستین به روستائیان و... نمود!

جشن های پنجاهمین سال سلطنت پهلوی نیز این خط تقابل با دین را تکمیل نمود و علنا محرمات الهی که از خطوط قرمز ملت مسلمان بود؛ مورد اهانت واقع گردید! علاوه بر این، گسترش قمار خانه ها، مراکز فحشا، مشروب فروشی ها و نمایش فیلم های مبتذل در سینما و تلویزیون بخشی از تلاش های رژیم شاه در رویارویی با فرهنگ اسلامی کشور و تغییر آن به شمار می آید.

۲- وابستگی کامل رژیم پهلوی به قدرت های بیگانه به خصوص آمریکا در تمام ابعاد. رژیم شاه عمیقا در جنبه های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و... به آمریکا و سایر کشورهای غربی وابسته بود؛ وابستگی فراگیر و

*برخی نیز معتقدند؛ سیاست اسلام زدایی و مبارزه با اسلام از سوی رژیم شاه باعث جریحه دار شدن احساسات مسلمانان شد و عزم آنان را برای مقابله با شاه جدی تر کرد. عده ای نیز وجود چند عامل در کنار هم را دست مایه اصلی شروع حرکت انقلابی مردم می دانند. اما فارغ از دلایل اشاره شده که برای اثبات میزان اثر آن در اقبال مردم و میزان تاثیر آن در کشاندن ملت به کف خیابان ها و هم راهی با حضرت امام در استمرار حرکت انقلابی، بایدبا تفکری نقادانه و نگاهی پژوهشی به آن نگریسته و ارزیابی شود؛ به نظر می رسد، سه آبر چالش در رژیم شاه، در ترغیب ملت برای حرکت انقلابی و اصلاح گرانه بیشتر خود را نمایان می کند:

۱- عدم اعتقاد به اسلام و مخالفت علنی و آشکار با ارزش ها و مظاهر اسلام ناب؛ اسلامی که ملت به شدت به آن معتقد بود و حاضر بود برای دفاع از آن مجاهدت نموده و جان خویش را فدا نماید. تاریخچه مقابله رژیم

بر هیچ کس پوشیده نبود فریدون هویدا در ارتباط با فساد مالی حاکم در خانواده شاه چنین می نویسد: «فسادی که درون دربار شاه وجود داشت حقیقه ابعاد وحشتناک به خود گرفته بود؛ برادران و خواهران شاه به خاطر واسطه گری برای عقد قرارداد بین دولت ایران و شرکت هایی که گاه خودشان نیز جزو سهامداران عمده آنها بودند؛ حق العمل های کلانی به چنگ می آوردند؛ ولی گرفتاری اصلی در این میان، فقط مساله رشوه خواری یا دریافت حق کمیسیون توسط خانواده سلطنت نبود؛ بلکه اقدامات آن ها الگویی برای تقلید دیگران می شد و به صورت منبعی در آمده بود که جامعه را در هر سطحی به آلودگی می کشانید...سرازیر شدن ثروت های هنگفت به جیب این و آن در موقع عقد قراردادها گاه می شد که رسوایی هایی را نیز به دنبال می آورد. چنانکه یکبار کمیسیون تحقیق سنای آمریکا افشا کرد که در جریان یکی از معاملات با کمپانی های آمریکایی عده زیادی از جمله شوهر خواهر شاه و فرمانده نیروی هوایی ایران (ارتشبد خاتمی) به اتفاق پسر بزرگ اشرف رشوه هنگفتی دریافت کرده اند. ارتشبد سابق فردوست از دوستان شاه و مسئول بازرسی

فزاینده! در این ارتباط تنها اشاره به یک قرار داد نظامی بین آمریکا و ایران در سال ۱۹۵۹ م. برای اثبات مدعا کافی است؛ قرار دادی که بر اساس آن، آمریکا در صورت وقوع تجاوز به ایران، به یاری ایران می شتافت. هر چند تلاش های آمریکاییان کمک به ایران نامیده می شد؛ ولی در عمل ایران را به آمریکا وابسته ساخت. آمریکا از این وابستگی در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و... بهره می برد. بر این اساس ایران به ژاندارم منطقه و حافظ منافع آمریکا در منطقه تبدیل شد.

تصویب و اجرای طرح مصونیت قضایی اتباع آمریکایی در ایران، ورود هزاران متخصص نظامی آمریکایی و سلطه آن ها بر ارتش، بخشی از برنامه های آمریکا بود که در راستای منافع بین المللی این کشور تحقق یافت و ملت ایران را بیش از پیش، به وابستگی شاه به آمریکا معتقد ساخت. از سوی دیگر روابط شاه و اسرائیل یکی از علل مخالفت عمومی با رژیم شاه بود. رژیم شاه، بر خلاف نظر مردم ایران و افکار عمومی مسلمانان جهان، روابطی گسترده با اسرائیل داشت. رژیم پهلوی ۶۵ درصد نفت مورد نیاز اسرائیل را تامین می کرد. کالاهای اسرائیلی به سوی

ایران سرازیر بود. ساواک و موساد همکاری گسترده ای داشتند و آژانس یهود که فعالیت عمده اش مهاجرت دادن یهودیان به فلسطین اشغالی است؛ در تهران دفتر نمایندگی فعال داشت.

۳- فسادشاه و خاندان و وابستگان و صاحب منصبان رژیم پهلوی. فساد مالی در دوران پهلوی همواره وجود داشته است ولی فسادی که بعد از افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۳ در ایران پدیدار شد؛ مساله ای بود فراتر از همه آنها و جدا از تمام معیارهای قابل قبول، پورسانت ها و زد و بند با مقاطعه کاران داخلی و بین المللی توسط دربار و اطرافیان شاه چیزی بود که

* نگاه های نو به اهداف انقلاب در بیان رهبر انقلاب
@khamenei_history



چرا انقلاب کردیم؟

۱) رواج اخلاق فاضله	۶) حفظ فرهنگ خودی
۲) تشکیل نظام مردمی	۷) برقراری عدالت
۳) ایجاد نظام مستقل	۸) حاکمیت اسلام
۴) برانداختن اشرافیت	۹) ایجاد زندگی آبرومند
۵) آزادی	۱۰) رفع فقر و تبعیض

بعدا آن را به قیمت هنگفت در بازار سیاه به فروش می رساند.

حمایت شاه و آزاد سازی امیر هوشنگ دولو که به جرم قاچاق مواد مخدر در سوئیس زندانی بود از جمله مسائلی است که در روشنگری اذهان مردم در حمایت شاه از باند قاچاق مواد مخدر مؤثر بود. مردم از این مساله حیرت زده شده بودند که چطور قاچاقچی های خرده پای بدبخت به دستور شاه تیرباران می شوند؛ ولی همین شاه دوست خود را (امیر هوشنگ دولو) که به جرم قاچاق مواد مخدر در سوئیس بازداشت شده از محاکمه و زندان می رهاوند؟ علاوه بر سوء استفاده مالی و دخالت دربار در قاچاق مواد مخدر، اکثر اعضای خانواده سلطنتی و مقامات سطح بالای کشور به گونه ای زندگی می کردند که می توان گفت هیچ گونه تناسبی با دستورات مذهب رسمی کشور که بیش از ۹۹ درصد از جمعیت مردم ایران به آن اعتقاد

داشتند؛ مطابقت نداشت. برپایی قمار خانه ها و تفریحگاه های خلاف عفت در سرتاسر کشور از آن جمله در جزیره کیش که جهت عیش و نوش درباریان و میلیاردرهای جهان و کشورهای عرب تدارک دیده شده بود؛ نمونه ای از آن بود! جزیره کیش تبدیل به تفریحگاهی شده بود که شرکت ایرفرانس در پروازهایی که با هواپیمای کنکورد به این جزیره داشت تعدادی از زنان فاحشه را به این جزیره می آورد!

حقیقت این است که وجود فساد مالی، و بی بندوباری های بی حد و حصر اخلاقی در دربار و خانواده شاه چنان وسعتی پیدا نموده که با بدیهیات مسلم دین مبین اسلام در تعارض بود و روز به روز وجهه شاه و خانواده سلطنت را در بین مردم مسلمان ایران از بین می برد؛ نقطه اوج این بی بند و باری در جشن فرهنگ و هنر شیراز بود که کریه ترین و زشت ترین و شرم آور ترین صحنه ها را برای بازدیدکنندگان به نمایش در آوردند!!

موارد عنوان شده را می توان بخشی از دلایل محکم بروز انقلاب و پاسخ منطقی به سوال «چرا انقلاب کردیم



شاهنشاهی می گوید: «در دوران مسؤولیتیم در بازرسی متوجه شدم که اصولا موارد سوء استفاده و حیف و میل نهایت ندارد. در دوران ۱۳ ساله نخست وزیری هویدا همه می چاییدند و هویدا کاملا نسبت به این وضع بی تفاوت بود. در صورتی که یکی از مهم ترین وظایف رئیس دولت جلوگیری از فساد و حیف و میل اموال دولتی است. در هیچ زمانی به اندازه دوران هویدا فساد گسترده نبود و او چون جلب رضایت محمد رضا را می طلبید نمی خواست کسی را از خود ناراضی کند و به همین دلیل نیز صدارت او طولانی شد.»

علاوه بر سوء استفاده ها و اختلاس های مالی در نظام سیاسی پهلوی آن هم در دربار و در حد امرای ارتش، یکی از مسائل حیرت انگیز این دوران، دخالت های دربار شاه در امور مربوط به مواد مخدر بود. به محمود رضا یکی از برادران شاه اجازه داده شده بود در امر کشت تریاک و برداشت محصول آن فعالیت داشته باشد. همه ساله محمود رضا به بهانه اینکه محصول تریاک خوب نبود؛ مقدار زیادی از تریاک های بدست آمده را برای خود نگه می داشت و

«؟ دانست .

بار روحانیون جمهوری اسلامی ایران تحقق بخشیدند. □
و این چنین بود که که انقلاب اسلامی شکل گرفت
و با پیام هایی همچون؛ لزوم خروج انسان از یوغ بردگی
و بندگی طاغوت و رستن از ذلت و خواری، روی آوردن
به عبودیت خدا و رستگاری برآشفتن در مقابل همه بدی
ها و کجی ها و نابسامانی ها، مبتنی بودن حکومت و
قدرت سیاسی بر پرهیزکاری، عدالت و حقیقت، ضرورت
دین گرایی و خدامحوری و نیز بازگشت از مسیر انحرافی
دوران غرور جاهلانه و شکوفایی علم و... به پیروزی رسید.
اما چرا این حرکت مردمی به رهبری حضرت امام، در
مقابل قوی ترین و وابسته ترین رژیم منطقه به پیروزی
انجامید؟ گرچه در مقام پاسخ به این سوال، صد ها کتاب،
مقاله، پایان نامه به رشته تحریر درآمده و هزاران پژوهشگر
، محقق و استاد در مراکز مختلف آموزشی مختلف به بیان
سخن و استدلال پرداخته اند؛ اما در اینجا به برخی از دلایل
پیروزی اشاره می نماییم :

اعتماد به نفس، جذبه و مهمتر از همه توانایی حضرت
امام بر جلب توجه توده ها و تبیین و ترسیم درست و قابل
لمس اقدامات و اهداف رژیم پهلوی و اثبات دست نشاندگی
کامل این رژیم به غرب و به ویژه به آمریکای جهان
خوار، ضدیت با اسلام و فساد گسترده در ارکان حکومت
شاه، از سوی یک مرجع دینی شجاع، صادق و با هوش،
آحاد ملت را در صفی واحد به جریان مبارزه کشاند و حرکت
برای ظهور انقلاب اسلامی و برپایی نظامی مبتنی بر
اسلام ناب آماده گردید. پیامبر اکرم (ص) در مورد افرادی
با این این خصوصیات؛ چنین فرموده اند: «به باهوشترین
مؤمنان رجوع کنید که آنها به مدد الهی اعتقاد دارند و توکل
می کنند.» و به تعبیر علامه اقبال: «انسان مؤمن، دارای
اعتقادی روشنگرانه است و بر سرکشان مسلط است، غالب
می شود و مغلوب نمی گردد». و ملت ایران نیز در عمل
حضرت امام را این گونه یافتند و پای در رکاب او شدند و
راه برای یک رخداد بزرگ فراهم گردید!

اعتماد به نفس، جذبه
و مهمتر از همه توانایی
حضرت امام بر جلب
توجه توده ها و تبیین و
ترسیم درست و قابل
لمس اقدامات و اهداف
رژیم پهلوی و اثبات
دست نشاندگی کامل
این رژیم به غرب و به
ویژه به آمریکای جهان
خوار، ضدیت با اسلام و
فساد گسترده در ارکان
حکومت شاه، از سوی
یک مرجع دینی شجاع،
صادق و با هوش، آحاد
ملت را در صفی واحد به
جریان مبارزه کشاند

«نواى وقت» روزنامه اردویی پرتیراژى است که در
لاهور و اسلام آباد و کراچی و مولتان چا و منتشر می
شود در تعریف انقلاب اسلامی ایران چنین می نویسد:
«امام خمینی با انقلاب مبارک خود، بسیاری از آرزوها
را تحقق بخشیدند و کارهای بزرگی برای اسلام نمودند.
کارهایی که همه و همه در خور تحسین و تقدیر بوده، و از
جایگاه والایی برخوردار است و در زمینه ها و عرصه های
مختلف، نقش بزرگی دارد. این موفقیتها همچون چراغی
فرا راه رهبران و بزرگانی است که با تمسک به روش و
اندیشه ایشان، امت را در مشکلات و بحرانها به خوبی
هدایت کنند، ایشان رهبر انقلاب اسلامی ایران بودند،
انقلاب روحانیون بزرگوار و علمای فاضل! این انقلابی بود
که از آغاز، علما آن را تا به نهایت با تدبیر و اندیشه پیش
بردند؛ و در مراحل مختلف، خود را در راه آن فدا نمودند و بر
قربانی این راه شدند تا اینکه به آنچه خواستند رسیدند و بر
تصمیمات خود نایل شدند. این تنها انقلاب علماست که
با موفقیت و توفیق همراه شد، در حالی که در سرزمینهای
اسلامی روحانیون اسلامی نتوانسته بودند به خواسته خود
برسند و در تصمیمات خود توفیق یابند؛ و این کار را اولین

– مطابقت انقلاب اسلامی با سنت های الهی و حضور ملت به عنوان یک وظیفه شرعی و ملی
– ایمان عمیق، آگاهانه و راسخ مردم به اسلام ناب و اعتماد کامل به رهبر خویش به عنوان یک مرجع دینی صادق، شجاع و آگاه
– درک واقع بینانه مردم از چالش های موجود در رژیم پهلوی

– روشنگری و فداکاری روحانیت اصیل و متعهد و افراد مورد وثوق و تاثیر گذار، به عنوان جلودار نهضت
– رهبری شجاعانه و حکیمانه حضرت امام و هدایت موج خروشان ملت در مقاطع و مراحل پر فراز و نشیب انقلاب اسلامی

بی شک دلایل اقبال ملت به همراهی حضرت امام برای انقلاب و ایجاد تحول و دگرگونی در ساختار سیاسی- اجتماعی کشور در آن زمان منطقی و مورد تایید عقل و وجدان انسان های بیدار آن دوران بوده است که

آگاهانه پای کار آمدند؛ رهبری امامشان را با جان و دل پذیرفتند؛ حماسه آفریدند؛ مجاهدت کردند؛ صبوری نمودند و مشتاقانه جان خویش را در راه تحقق هدفشان گذاشتند؛ شهید شدند؛ مجروح شدند؛ ولی عقب ننشستند تا نصرت الهی را به چشم دیدند و تولد نوزاد زیبا و امید آفرینشان را در آغوش کشیدند. ملت در آن زمان دلایل درست و منطقی خود را برای حرکت انقلاب داشتند و با درک درست وارد صحنه شدند. مسلمانان برای قضاوت در مورد چرایی حرکت مردم در آن دوران، باید به دوران بازگشت و به مقضیات شرایط موجود و واقعی آن دوران حکم داد. به این معنی که هرگونه اعلام نظر و قضاوت در حال حاضر و پس از گذشت بیش از چهل و اندی سال در باره تصمیم و حرکت انقلاب ملت ایران در دوران ستم شاهی، اولاً تحمیل نگاه های امروزی به تفکرات و اعتقادات ملت شجاع و فهیم آن دوران است و ثانیاً گرفتار شدن در آفت بزرگ قضاوت، به نام «خود تعریفی از چرایی یک رخداد ارزشمند ملی و دینی است».

قضاوت عادلانه درخصوص این رخداد عظیم اجتماعی؛ هرنگاه منصفی را بر آن می دارد که به عنوان مقدمه قضاوت خویش، با استفاده از اسناد، مدارک متقن و درست و فارغ از هرگونه حب و بغض، تاریخ پنجاه ساله حکومت پادشاهی، سلطنتی و موروثی پهلوی را بر این کشور بزرگ مطالعه نماید و آنگاه با وجدانی بیدار و شجاعتی برگرفته از یک انسان آگاه، اعلام کند: «اگر خود او در آن دوران قرار می گرفت؛ در کدامین سوی معرکه بود؟ سوی رژیم وابسته، مخالف اسلام و ضد مردم پهلوی و یا سوی میلیون ها مردمی آگاه که آمده بودن تا خودشان با شند؛ نه عامل دست بیگانگان؟!»

به هرحال انقلاب اسلامی ایران به دلایل ذکر شده و همچنین دلایل اصلی و فرعی اشاره نشده؛ توسط ملت ایران و به رهبری حضرت امام شکل گرفت و با دستاوردهایی همچون؛ حاکمیت ارزش های دینی و معنوی در نظام حکومتی در عصر غلبه زر و زور بر دیگر ارزش ها، قطع دست بیگانگان و چپاولگران و سلطه گران نامشروع از ایران و ملت و منابع و ثروتهای آن، برچیدن بساط ارتجاع و روشنفکری و دریدن طومار خیانت آنان، نفی سلطه طاغوت

قضاوت درخصوص این رخداد عظیم اجتماعی؛ هرنگاه منصفی را بر آن می دارد که به عنوان مقدمه قضاوت خویش، با استفاده از اسناد، مدارک متقن و درست و فارغ از هرگونه حب و بغض، تاریخ پنجاه ساله حکومت پادشاهی، سلطنتی و موروثی پهلوی را بر این کشور بزرگ مطالعه نماید.

و نظام اسلامی نیست. اکنون زمان آن است که نظام اسلامی، دولت مردان، قانونگذاران، ناظران، سرمایه داران، پژوهشگران، متخصصان و همه فعالان عرصه سازندگی کشور دست در دست هم دهند و با حرکتی آکنده از تدبیر و نتیجه بخشی، این چالش را به محل رضایت مندی ملت تبدیل نمایند و بدینوسیله قطعات پازل اقتدار و سربلندی ملت و نظام اسلامی را تکمیل نمایند و راه را برای قضاوت ناصحیح برخی، در مورد چرایی ظهور انقلاب اسلامی و نادیده گرفتن دستاوردهای بزرگ و بی نظیر ملت و نظام اسلامیشان مسدود نمایند. گرچه آنان که انقلاب اسلامی را شکل دادند و آنان که هشت سال نبرد نابرابر با جهان استکبار را به پیروزی تبدیل کردند و بالاخره نسل های پس از انقلاب و به خصوص جوانان آگاه و شجاعی که اکنون امید اصلی کشورند؛ همچنان ایستاده اند و افقی به بلندای عزت و سربلندی را برای این ملت مسلمان و شجاع جستجو می کنند. ان شاءالله

و احیای استقلال ملت ایران، احیای هویت ملی - اسلامی و حیات بخشی به ملت ایران، ایجاد اعتماد به نفس و خودباوری در ملت ایران، ایجاد جرأت و جسارت در مسائل علمی و شکستن مرزهای دانش، تبیین و احیای منزلت و شأن زن مسلمان، ایجاد وحدت شیعه و سنی و.... در حوزه داخلی و دستاوردهایی همچون؛ ابطال نظریه های مادی گرایانه و الحادی در تبیین و تفسیر انقلاب ها، ارائه تلقی و فکر جدید مبتنی بر توحید و معنویت و تکریم انسان و عدالت اجتماعی به جهانیان، احیای امید در دنیای اسلام و عرب نسبت به شکست پذیری استکبار و صهیونیسم، بیداری امت اسلام و تلاش در جهت تعیین سرنوشت خویش و دفاع از اسلام و.... به پیروزی رسید و با ظهور جمهوری اسلامی استمرار یافت.

و اکنون پس از گذشت چهل و سه سال از آن پیروزی بزرگ و نصرت خداوندی، بازهم منصفانه به قضاوت بنشینیم و دستاوردهای بزرگ و کوچک آن انقلاب مردمی

را با نگاهی واقع بینانه مرور کنیم؛ دستاورد های مادی و معنوی که هرکدام از آن ها عزت و بزرگی ملت ایران را در جهان به اثبات می رساند؛ دستاوردهایی که ملت های آزادیخواه جهان در حسرت داشتن آن می سوزند و برای کسب آزادی و استقلالشان مبارزه می کنند. استقلال و آزادی دو واژه مقدسی است که با ظهور انقلاب اسلامی و پس از تثبیت حرکت انقلابی ملت در ۱۲ فروردین، همراه با نمایش یک حرکت مردم سالاری بزرگ به ایران بزرگ هدیه شد؛ دوهديه ای که در گذشت زمان تا کنون با دستاوردهای بزرگ ملت، تثبیت و تحکیم گردید. منصفانه بگوییم که به دلایل مختلف داخلی و خارجی در حوزه عدالت اجتماعی، اقتصاد و به خصوص معیشت ملت دچار چالشی بزرگ هستیم که هرگز در شان و جایگاه ملت



مهدی محمدی

داستان

رقص ماهی ها

داستان بودند . شاید این کوچه ها براستی قدیمی ترین
پس کوچه های تهران باشد که هنوز هم می توان در آن
خانه هایی قدیمی یافت. خانه هایی با اندرونی ، حوض
وسط حیاط، مطبخ خانه و بوی سیر ترشی و هفت بیجار

کوچه های تنگ نظامیه را دوست دارم. کوچه هایی که
از پس هم می آیند و به هم می چسبند. همیشه طوری
است که اگر غریبه باشی ، احساس می کنی ته این کوچه
بن بست است ، اما تا انتها که می روی ، می بینی کوچه
باریک دیگری نجیبانه جلوی پایت سبز می شود. از جوانی
اینجا بودم. ازدواج و بهترین لحظات زندگیم در این کوچه
ها به امانت سپرده شد. این کوچه ها در خاطرات من هم

از پستوی زیرزمین آن. حقیقت این است که زمانی که به جبهه رفتم، با خود می اندیشیدم که می روم تا این کوچه بماند. این حس و این عطر سیرترشی. من و امثال من رفتیم تا دیگران نیز خاطراتی با این حیاط و درخت بید مجنونش به اشتراک بگذارند. اوایل جنگ، طلعت گاهی برایم عکسهایی از حیاط سبزمان می فرستاد، علیرضا و محمدرضا در حال بازی دور حوض بودند. از درون عکس هم می توانستم شیطننت این دو بچه را به چشم ببینم. گوشه عکس هم لیلای کوچکم، کنار حوض نشسته بود و محبوب به عکس می نگریست. گویی این دختر ۸ ساله از درون عکس پیامی به من می داد و با چشمه‌هایش می گفت پدر زودتر برگرد. همیشه دختر زودتر دلتنگ پدر می شود. پسرها انقدر شیطننت دارند که زمانی برای دلتنگی ندارند. یا شاید به خاطر اینکه پسرها با هم هستند نبود مرا کمتر حس می کنند. اما همه بچه‌ها یک طرف طلعت یک طرف. با اینکه در هیچکدام از عکسهایی که می فرستد حضور ندارد، با این حال صدای نفس‌هایش را درون عکسها می توانم بشنوم.

همیشه در طول زندگی، من و طلعت از ندانستن به آگاهی رسیدیم. همیشه تلاشی مضاعف برای دانستن و فهمیدن داشتیم و مسیر زندگی ما به سمت آگاهی هموار

می شد. زمانی که من و طلعت ازدواج کردیم، بسیار خام و بی تجربه بودیم. اما تنها دلیلی که باعث شد کم نیاوریم، مشورت با هم بود. زمانی که علیرضا دنیا آمد، چون اولین بچه ما بود و هردو بی تجربه بودیم، نمی دانستیم باید چه کنیم. و جالب ماجرا این بود که در همین ندانستن هم با هم مشورت می کردیم.

سال ۶۳ که به خانه بازگشتم، به یکباره برایم همه چیز تغییر کرد. هم برای من و هم برای خانواده. در شرایطی تعریف نشده قرار گرفتیم. بر اثر گاز خردل و بمبهای شیمیایی دیگر نیمی از ریه من از بین رفت. کاملاً آسیب پذیر و خانه نشین شده بودم. همه جا ماسک اکسیژن همدم من شده بود و نزدیک ترین و صمیمی ترین قرار عاشقانه ام، آمپولهای زیرپوستی بود که باید یک روز در میان تزریق می کردم. شوخی نبود. باید تا ۳۳ سال بعد، یک روز در میان مایعی رقیق را وارد بدنم می کردم که از بد روزگار عوارض جانبی اش کم از بیماریم نداشت. اوایل بازگشتم پذیرفتن این شرایط برای همه سخت بود. همه با استرس به شرایط جدید می اندیشیدند، به جز طلعت. طلعت بسیار هوشمندانه آن روزها خانه را مدیریت می کرد. یا شاید اینطور وانمود می کرد. چرا که خودم یک بار در آذر ۶۳ و یکبار در تیر ۶۴ مچش را گرفتم که به





از وجودش بی خبر بود. از قسمت روزگار سهراب سمج تر از این حرفها بود و دوباره و دوباره آمد. با لیلا اتمام حجت کردم که اگر شرایط من ذره ای در تصمیمش تاثیری داشته باشد، حلالش نمی کنم. جواب داد. و آنها ازدواج کردند. این تغییر در زندگی در پسرها هم رویت شده بود. سال ۶۴، یکسال بعد بازگشت من، علیرضا که حالا نوجوانی ۱۴ ساله بود، در کنار تحصیل به سر کار می رفت. فکر می کردم کمبودی در معیشت دیده بود. اما من را مجاب کرد که این وضعیتش نه از سر کمبود معیشت، بلکه لازمه روحی او بود. بر سر قولش ایستاد و کارکردنش ذره ای تاثیر بر درسش نگذاشت. هر چه بود پسر من بود. مانند من خوش قول. محمد رضا که دو سال کوچکتر از برادرش بود بسیار تلاش داشت تا برادر بزرگتر را الگو قرار دهد. اگر می ماند امروز برای خود موفقیتی داشت. هر چند الان هم سری در سرها دارد و عاقبت به خیر شده است. محمد رضا در اواخر جنگ به جبهه رفت. با جعل امضای من و بزرگ تر نشان دادن سنش - از آنجایی که چهار شانه و اندامی چهارشانه داشت و در همان بدو ورود شهید شد. روزی که ما متوجه رفتنش به جبهه شدیم تا زمانی که خبر

بهانه آوردن ترشی به زیرزمین رفته بود و دل سیر گریست. می توانستم درکش کنم. بالاخره آدم است. جوان و زیبا و در آستانه ۳۵ سالگی بود. حتی روزی جرات کردم و به او پیشنهاد دادم که اگر راضی باشد برای جدایی راضیم. با تمام وجود و توانش سیلی محکمی بر گونه ام کوبید و تا دو روز با من صحبتی نمی کرد. اما به جز این در طول این ۳۳ سال همیشه بهترین پرستار من بود. لیلا هم در کنار طلعت مانند پروانه به دورم می گشت. حتی زمانی که ازدواج کرد، هر یک روز در میان کنارم بود، به این بهانه که آمپول زیرپوستی من را تزریق کند. لیلا به سن نوجوانی که رسید اولین کاری که کرد یاد گرفتن تزریق بود. دخترکم با سن کمش انقدر درایت و بزرگی داشت که گهگاهی به من امید می داد. زمانی که خسته می شدم، برایم از گذشته شاد و آینده پر امید می گفت. حتی زمانی که سهراب به خواستگاریش آمد، لیلا به او جواب رد داد. متوجه این مطلب شدم که این جواب رد دادن با بقیه جواب رد دادنها تفاوت داشت. زمانی که لیلا به اولین خواستگاری سهراب، قاطعانه جواب رد داد، قطره اشکی کوچک را در گوشه چشمان زیبایش رصد کردم. اشکی که احتمالا خودش هم

بچه ها را کنارم دیدم. حالا دیگر خیلی بیشتریم. سهراب و لیلا و ناهید- دخترشان □ و محمدرضا-پسرشان- . این سو هم علیرضا و همسرش سمیه و دخترش ستاره و البته نوزاد کوچک ستاره . کوچکترین عضو خانواده. همه بودند. حتی من شهیدم را هم دیدم. لبخند می زد. کنارم نشست و نوازشم می کرد. همه خانواده ما آموخته بودند تسلیم شدن را. تسلیم در برابر اراده خدا. تسلیم شدن در برابر خواست الهی . ما پذیرفته بودیم که با وجود همه آلام همیشه در کنار هم هستیم و به یاد هم خواهیم ماند. دست در دست محمدرضای شهیدم ، رو به طلعت کردم و عمیق او را نگریستم. با نگاهم به او اطمینان دادم که آن طرف منتظرش هستم. نیازی به حرف زدن نبود. نگاهها خودش گویا بود. طلعت با نگاه پرسید چه زمانی دوباره می بینمت؟ و من با نگاه پاسخ دادم زمانی که وقتش برسد. صبر کن طلعت من. تو که اسطوره صبر من هستی . ۳۳ سال برایم صبر کردی . دیگر چیزی نمانده.

و صدای طلعت را می شنوم که آرام در گوشم می گوید من راضیم. در حالیکه پهنه آسمان را طی می کنم و به آبی اقیانوس می رسم و همچنان که بازی زیبای نور خورشید در کف اقیانوس منجر به رقص ماهی ها می شود، صدای بلند و رسای طلعت را هنوز می شنوم. من راضیم...

شهادتش رسید به یک ماه نرسید. محمدرضا روحی سرکش و عصبانگر داشت. از کوچکترین بی عدالتی در اطرافش بر می آشفت و همین روح عصبانگر دلی از جنس آسمان داشت. کینه کسی در دلش نمی ماند. این خصلت طلعت بود در وجودش. من مطمئن هستم که محمدرضا در زمان شهادتش تسلیم کامل حق بود. اگر اینگونه نبود به جبهه راهش نمی دادند. اگر اینگونه نبود ، آسمانی نمی شد. او به دنبال حق بود و سرانجام حق او را در بر گرفت.

اما خودم هم در این ۳۳ سال ، لحظه لحظه زندگیم به مکاشفه زندگی نزدیکتر شدم . دقیقه به دقیقه به معنای بزرگ زندگی و دلیل اصلی بودنم نزدیک شدم. من امروز با من ۳۳ سال پیش بسیار متفاوت گشته ام. با اینکه برهه ای جدید را پیش رویم دارم، با اینحال ، آن ندانستن ۳۳ سال پیش را ندارم. با اینکه ۴۵ روزی می شود که شهادت را نیز مزه کرده ام، اما اطمینان خاطری مضاعف بابت همه چیز دارم. این احساسی است که حتی طلعت هم در آن مشترک است. دیگر هیچکدام ما از این تغییر نه هراسی داشتیم و نه مقاومتی. حتی قدری لیلا هم این حس را مزه کرد. تا جاییکه احساس کردم در مراسم ختم من طلعت و لیلا بیشتر از اینکه گریه ای سر کنند، با اطمینان خاطر و متفکر نشسته بودند و شاید به گذشته و خاطرات مشترک با من سری زده بودند. روزهای پایانی زندگی پربارم ، طلعت و



جواد فرزادی

قاپِ بهمن، بهانه‌ای برای آذر

اشاره

در فاصله‌ای که نشریه سنگر سازان بی سنگر منتشر نشد؛ به موازات اتفاقات مختلف و مناسبت‌های گوناگون، مواردی به ذهنم خطور می‌کرد که لازم بود محلی مناسب و قابی جذاب برای ارائه آن پیدا می‌کردم که خوشبختانه بهمن رسید و خبر خوش انتشار نشریه مذکور شادی مضاعفی را پدید آورد؛ اول این که این رسانه خوبِ کانون سنگر

سازان مجدد عرصه حضور یافت و دوم اینکه بهانه‌ای شد که مطلبی را به بهانه ۵۵ دسامبر / ۱۴ آذر، روز جهانی داوطلب هرچند با تاخیر مناسبتی، ارائه نمایم؛ «برادر جهادی، ولنتیرت مبارک!»

چند سالی هست به موازاتی که روزها و مناسبت هایی چون ۲۷ خرداد (سالروز تشکیل جهادسازندگی در سال ۱۳۵۸) و ۱۶ مرداد (سالروز به شهادت رسیدن اولین گروه جهادگران در سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۵۸ و روز گرامیداشت شهدای جهادسازندگی) و... در سررسید ها و رسانه های جمعی مان کمرنگ تر از گذشته می شوند، شاهد مطرح شدن پر طمطراق روزها و مناسبت هایی تازه از آن سوی آب رسیده در برخی تقویم ها و مجامع هستیم که نه تنها برخاسته از زیست بوم فرهنگی و اجتماعی ما نیستند، بلکه در فرهنگ مادر نیز، قدمت و عقبه و فلسفه جدی ندارند. یکی از این روزها، روز ۵ دسامبر مصادف با ۱۴ آذر است که چند سالی است با عنوان دهان پر کن «روز جهانی داوطلب» سر و کله اش در فضای جامعه ما هم پیدا شده و عده ای را بدون آنکه در ماهیت و تاریخ آن تأملی کرده باشند، متوجه و مشغول به خود ساخته است. در میان این افراد، دیدن نیروهای زلال جهادی و نهادها و تشکل های اصیل، و با سابقه و هویت ملی و انقلابی بیش از بقیه انسان را متأثر و به تفکر وامی دارد.

یادداشت پیش رو، تاملی است کوتاه پیرامون این پدیده؛ که خواندنش در طلیعه چهل و سومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران می تواند تلنگری برای «ادامه راه» مان باشد.

۱- هنوز تک و توک، هستند مادر بزرگ هایی که دورانی که تازه ظروف پلاستیکی به کوچه و بازار ایران آمده بود را به خاطر دارند؛ و دوره گردهایی را که کاسه و لگن های رنگارنگ قشنگ و برآق پلاستیکی را لطف می کردند و دم در خانه ها با ظروف کهنه مسی و رویی معاوضه می کردند و تازه لبخند رضامندی و دعای خیر اهل خانه را نیز در این معامله شیرین بدرقه راه خود می کردند!

همان ظروف اصیلی که امروزه علاوه بر قیمت کذایی و ماندگاری بالایی که با وجود همان ظاهر زمخت دارند، تازه معلوم شده استفاده از آنها در جهت سلامتی انسان ها حکمت آمیزتر، و به مراتب برای حفظ محیط زیست کم آسیب تر هم هست.

در یک تحلیل جامعه شناختی اولیه از این پدیده، احتمالاً میل انسان ها به تازگی، کسب راحتی و رفاه بیشتر در کاربری و چشم نوازی موقتی بیشتر ظروف پلاستیکی، توجیه گر علت این معامله غبن آلود توسط بانوان ایرانی در آن دوران عنوان شود؛ لکن اگر کمی عمیق تر بیاوریم، تحلیل این موضوع، ریشه در مسائلی از قبیل مغفول واقع شدن ارزش داشته ها، کم اطلاعی از دانش و تحولات روز و کم ارجی به فرهنگ و رسوم بومی دارد. در یک کلام به نظر می رسد قصه ی باخت های ما به جریان ها و پدیده های نوظهور، قصه ی قدیمی «مرغ همسایه غاز است» بوده است.

۲. انقلاب اسلامی ایران، نه فقط در شعارها، بلکه در ماهیت و محتوا، بالذات حرکتی در خلاف جهت حرکت رایج آب در دنیا شناخته شده است؛ آنجایی که امام (ره) از همان ابتدا بر خلاف همه انقلاب های بزرگ دنیا در قرون معاصر، نه به شرق گروید و نه به غرب؛ نه از شوروی کمک خواست و نه زیر بار منت آمریکا و اروپا رفت. در عوض «متوسل شد به مردم»، و برای حل مشکلات پیشا انقلاب و پسا انقلاب، «دست به سوی مردم دراز کرد».

این استقلال و احساس هویت مستقل که به سرعت در



عمق جان مردم نفوذ می کرد، فقط در «مرحله اول» انقلاب که شکستن دیوار استعمار و استکبار بود، منحصر نبود؛ بلکه در «مرحله ثانی» که ساختن ایران در شئون مختلف بود نیز، از همان روزهای نخست استقرار حکومت و اولین تصمیم گیری های خرد و کلان نمود می یافت؛ آنجا که امام (ره) بر خلاف سایر انقلاب ها، ارتش باقی مانده از رژیم قبل را منحل نکرد یا هیچ وزارتخانه دیگری را از بین نبرد، ولی به موازاتش ساختارها و اقدامات ایجابی مورد نیازی که شاید در هیچ جای دنیا سابقه نداشت را بر اساس منظومه فکری که مبتنی بر همان هویت مستقل ملی و دینی در ذهن داشت، ایجاد و جهت دهی کرد. ایجاد کمیته های انقلاب برای حفظ نظم و امنیت داخلی، ایجاد سپاه پاسداران برای حراست از مرزهای فیزیکی و معنوی، ایجاد کمیته امداد جهت دستگیری فوری از ضعفاء، ایجاد بنیاد مسکن انقلاب برای حل مسئله زمین و خانه داری، و البته ایجاد جهاد سازندگی برای «ساخت ایران»، همه و همه نمونه هایی از بروز این جریان مستقل بود که در حوزه حل مسائل مردم و مملکت، با رویکرد «مسئله محوری» به رخ جهانیان کشیده می شد. موضوع «تبدیل جهان دوقطبی به جهانی سه قطبی توسط انقلاب ملت ایران» که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم اشاره می کند، در همین راستا است.

باید باور کنیم که دنیا روی «مقاومت» ما در برابر تهاجم سراسری و پر فشار پروژه هایی مثل: «جهانی شدن»، «سکولاریسم»، «لیبرال-دموکراسی» و «سند توسعه پایدار» حساب کرده است. و به هیچ وجه انتظار هضم شدن یا دنباله روی کور کورانه را از ما ندارد. داشته ی ما در این رویارویی، عناصر و مولفه های گفتمانی انقلاب اسلامی است. این عناصر و مولفه ها باید به درستی ترویج و سکه رایج جامعه شوند. تحقق این کار، هم نیاز به انگیزه و اراده دارد - که قبل تر مستلزم درک اهمیت است - و هم نیازمند کار هنرمندانه و علمی؛ از جنس «شهید آوینی» و «جهاد تبیین».

اگر نشود یا کم باشد، مشمول آن قاعده معروف خارجی ها می شود که: use it or lose it (یا استفاده اش می کنی یا از دستش می دهی)؛ بدتر، آن است که فقط از دستش نمی دهی؛ بلکه جریان نانچیب رقیب، که هم فهم اهمیت، و هم انگیزه و هنر لازم را دارد، به راحتی مهندسی معکوس می

کند و بدلش را می زند. و این یعنی دادن ابتکار عمل به دست اغیار و کشاندن فضای گفتمانی جامعه خودی به هوا و غذایی که غیر خودی ها تدارک دیده اند. مثل خیلی چیزهای دیگر که بدلش را زدند؛ مثل داعش و طالبان، که وقتی به عنوان بدل جریان مقاومت اسلامی درستش کردند و قالب مخاطب خاص خودش کردند، هم منافع استکبار توسط آن بهتر تأمین شد، و هم اعتبار و محبوبیت «جنس اصلی» را زیر سوال برد. حالا شما برو و صد تا برنامه بساز که فرق نیروهای بسیجی و جهادی زمان دفاع مقدس ما با داعشی و طالب تبیین کند!

۳. «رشد و ایجاد هویت مستقل ملی و دینی در جوانان و نوجوانان» که مطالبه رهبر انقلاب از معلمان بوده و اظهار می کنند «ما از این جهت دچار آسیبیم»، مسئله کوچکی نیست. این مهم است که کودک ما در مهد کودک فکر کند و حتی طرح سوال کند که: چرا هالوین؟! در حالی که ده ها جشن و آیین ملی و دینی داریم. نوجوان ما بیاندیشد و پرسد: چرا کریسمس؟! در حالی که نوروز داریم. معلم ما تحلیل کند: چرا ۲۰۳۰؟! در حالی که سند تحول بنیادین داریم. کارگزار ما پرسد: چرا اقتصاد آزاد؟! در حالی که اقتصاد مقاومتی داریم. دختر و پسر جوان ما درنگ کنند که: چرا ولنتاین؟ چرا ۸ مارس؟ و...! به جای آن که بدون فهم ماهیت، ریشه، معنا و خاستگاه آن، وارد فضای آن شود.

خیلی جای درد است که یک گفتمان، در اندازه گفتمان انقلاب اسلامی، که پیاده سازی مینیاتوری یک زیرگفتمانش - تحت عنوان بسیج مردمی - در چندین کشور دیگر توانسته فرشته نجات آنان در مواجهه با مسائل و مشکلات سهمگین آنان باشد، هنوز در بحث مشارکت های مردمی و سازمان های مردم نهادش چشم به مدل های آن ور آبی داشته باشد! جای بسی تأسف و اندوه است که به دلیل ضعف روایت گری و تاریخ نا دانی جوانان، و از سویی دیگر انقطاع بین نسلی جهادگران نسل های پیاپی، جوان جهادی امروز ما با وجودی که جریان جهادی را گفتمان رایج کشور می بیند - هویت و ریشه و خاستگاه گفتمانی خود را ۲۷ خرداد ۵۸ جهاد سازندگی و پیام تاریخی حضرت امام (ره) نمی داند! اصلاً شاید نداند چنین روزی و چنان پیامی و آن گونه جهادگران و فرهنگ و تجربیات تولید شده ای در این باره وجود داشته

و دارد... مختلف، محروم از «هویت مستقل و اصیل جهادی» شوند و آنچه خود دارند را از بیگانه طلب کنند.

در پایان مروری کنیم بر آخرین پیام امام (ره) به جهادگران؛ همان پیام تاریخی که خط و ملاک جهادی بودن و جهادی ماندن را برای همیشه تاریخ و برای همه جهادگران جهان تبیین کرد:

«فرزندان عزیز جهادی‌ام! به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - است. اسلامی که غرب، و در رأس آن امریکای جهان‌خوار، و شرق و در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلت خواهد نشاند. اسلامی که پرچمداران آن پابرهنگان و مظلومین و فقرای جهانند و دشمنان آن ملحدان و کافران و سرمایه داران و پول پرستانند... امیدوارم از سیاست صخره‌های سخت «نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی» عبور کنید که اگر ایران را بر پایه استقلال واقعی پایه ریزی نکنیم، هیچ کاری نکرده‌ایم. چشم امید من به شما سازندگان پر شور و نشاط اسلامی است».

در جهانی که هرگز نمی از دریای ایثارگری ها و اثرگذاری‌های جهادگران ما را در خدمت به خلق تجربه نکرده و حتی به ساحت آن نزدیک هم نشده است، زشت است جهادگران -یا به قول آنها نیروهای داوطلب!- و نهادها و ادارات رسمی و غیر رسمی ما مثل هلال احمر و شهرداری و وزارت بهداشت و نهادهای مردمی و جهادی، خود را به این روزها و تقویم های بی اصل و نصب پیوند دهند و به جای «۲۷ خرداد روز جهاد»، (که باید به عنوان روز ملی بلکه جهانی در تقویم ثبت و ترویج شود)، «روز داوطلب یا Volunteer» را به هم تبریک بگویند! مناسبتی که عیان، خود را در خدمت مقاصد پروژه هایی مثل توسعه پایدار و ۲۰۳۰ و امثالهم معرفی می کند و البته برایش به زیبایی فلسفه می بافند و به اصطلاح پرزنت خوبی برایش دارند.

جفا است به خاطر کم کاری ها در «ترویج فرهنگ جهادی» که در همه حوزه های بشردوستانه و خداپرستانه تجربه میدانی گسترده و دانش ضمنی بکر تولید کرده است، شاهد آن باشیم که جهادگران ما در اقشار و نسل های

جهاد سازندگی



امروز ثوابی بالاتر از اینکه به برادرهای خودتان کمک کنید نیست و این سازندگی را همه با هم شروع کنید که ایران خودتان درست ساخته بشود و برادرهای خودتان نجات پیدا بکنند.

«صحیفه امام، جلد ۸، صفحه ۱۸۰»

بایسته های احیای جهاد سازندگی

موضوع احیای جهاد سازندگی ایده ای است که موافقان و مخالفان متنوعی را با خود به همراه دارد. دفتر ترویج فرهنگ جهادی کانون سنگر سازان بی سنگر، پیرو دغدغه ها و سابقه قبلی مطالعاتی در این زمینه، از روزهای نخست، ورودی فعال به این موضوع از طریق گفتگو با صاحب نظران، تصمیم گیران، کنشگران و ارانه نظرات کارشناسی به رسانه ها و مراجع تصمیم گیر داشته است. مقاله پیش رو، خلاصه دیدگاه هایی است که در اولین نشست از «سلسله نشست های گفتمان حکمرانی جهادی» که با همکاری مرکز مطالعات راهبردی ژرفا و کانون سنگر سازان بی سنگر ارانه شده است.

مقدمه

برای احیای هر چیزی ابتدا باید نسبت به آن شناخت پیدا کرد و سپس با استفاده از روش هایی قاعده مند و قابل اندازه گیری حرکت را تا رسیدن به هدف دنبال کرد. البته توجه به تجربیات گذشته که به کلام امیرالمومنین علیه السلام بالاترین خرد است نیز در این مسیر ضروری است. در این مقاله سعی می کنیم ابتدا با رویکرد نهادی و بررسی آراء بنیانگذاران و برخی از موسسین جهاد آشنایی اجمالی با ماهیت این سازمان پیدا کنیم و سپس به سراغ برخی ویژگی ها و بایسته های آن برویم. نهایتاً به مسأله اصلی و راه حل آن بپردازیم.

آشنایی با جهادسازندگی

جهادسازندگی از ابتدای تولد متکی بر مردم بود. امام خمینی(ره) در تشکیل متوسل به ملت شد و دستش را پیش ملت دراز کرد، نه مسئولین و بودجه های سازمانی. این مهم در جای جای جهاد از تشکیلات های شورایی، نحوه انتخاب مسئولین، نقش مردم در پروژه ها، انتخاب مأموریت های سازمان و برنامه ریزی نامتمرکز و مبتنی بر منطقه قابل مشاهده است. مأموریت جهادسازندگی، آبادانی این مخروبه بدست آمده از سلطنت پهلوی، استقلال و خودکفایی و استواری پایه های اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله بود. از حیث جانمایی در اداره کشور نیز جهاد و سپاه دو بال انقلاب بودند و برای پرواز دو بال که یار و یاور همدیگر هستند کافی است. جهادسازندگی یک ساختار بروکراسی ستیز و در رقابت با سازمان های باقی مانده از نظام طاغوت بود و اساساً تشکیلش در پاسخ به توقع مردم در ترک روابط ارتجاعی گذشته و ساخت روابطی جدید بین مردم و حکومت بود. پژوهشی از دانشگاه پرینستون جهاد را از این جنبه موفق شناسایی کرد به عنوان ساختاری که توانست فاصله دولت-ملت را محو کند، مورد بررسی قرار داد. به طور خلاصه بر اساس سخنان بنیان گذاران، جهادسازندگی تلاشی در جهت جاری سازی آرمان های انقلاب در موضوع اداره کشور و ارائه سرمشق به دیگر سازمان ها برای اداره کشور بود.

مأموریت جهاد سازندگی از روستا ها شروع شد. اما در روستا ها باقی نماند. جهاد علاوه بر کارهای کشاورزی، حل مسائل بهداشتی، راه، برق رسانی، آب رسانی، بازسازی مناطق جنگ زده با شروع جنگ در خدمات مهندسی نیز خدمات ارزنده ای را از ساخت انواع پل ها و راه ها، انواع ماشین های نظامی، تعمیرات ماشین آلات، ساخت قایق، پدافندهای موشکی و ساخت اولین موشک سوخت جامد ارائه کرد. همچنین در پروژه های بزرگی چون تغییر خطوط لوله نفتی، سد سازی و ... نقش آفرینی کرد و افراد مختلفی را برای مدیریت کشور در بستر خود تربیت کرد. جهادسازندگی در عمل طیف وسیعی از نیازها در کشور را پاسخ گفت و با ساختار دولت بروکرات بنی صدر رقابت کرد و همانطور که پیش تر اشاره شد در پاسخگویی به این مسائل موفق شد.

برخی ویژگی های جهادسازندگی از نگاه پژوهشگرانی چون دکتر ایروانی و سرلشگر بسیجی دکتر فیروزآبادی شامل: مردم گرایی، ارزش مداری، انعطاف پذیری، استمرار پویایی، حذف تشریفات اداری و کاغذ بازی، خودباوری، نوگرایی، دین محوری، ولایت مداری، فرهنگ خاص سازمانی، سرعت عمل در ارائه خدمات، تغییر متصدیان دولت از رویکرد نوکران دولت به کسانی که کارامدی سازمان را آبروی نظام می دانستند، پرورش استعدادها و نیروهای متعهد و ارائه سرمش برای دیگر سازمان ها و ادارات بود.

با توجه به شناخت بدست آمده از جهادسازندگی می توان برخی بایسته های احیای جهاد را به شرح زیر بیان کرد.

۱. نهضت مطالعات جهادسازندگی، زمینه احیای جهادسازندگی:

در کتاب از جهاد تا جهاد گفته شد: به نظر می رسد علاوه بر همه تلاش های رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله امام خامنه ای عزیز برای اصلاح و ارتقاء ارزش های فرهنگی کشور، از اضلاع و زوایای گوناگون تدابیر ایشان برای ترسیم گفتمان مسلط، توجه به عمل جهاد و مضاعف سازی تلاش، می توان انتظار داشت که در یک دوره زمانی چند ساله، اندک اندک به برتری کشور در حوزه منطقه ای و بین المللی بینجامد. به همین جهت، ضرورت دارد آموزه های پیش گفته کاملاً به صورت شفاف احصاء و مکتوب شود و تأثیر آنها بر گفتمان فرهنگ جهادی، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در پژوهشی دیگر که توسط شیخی و میرزایی انجام شده و در پژوهشی از دکتر ایروانی و دکتر شیخی در خصوص «مقایسه دو سامانه نهادی و سنتی» بیان شد که فقدان تحلیل های جامعه شناختی درباره پدیده های نوظهور نهادی پس از انقلاب اسلامی، زمینه ساز غفلت بزرگ تاریخی از نهادهای انقلاب اسلامی چون جهادسازندگی شده است. در کتاب رسم جهاد اشاره شده گفت گویی بین آقای هاشمی رفسنجانی و امپراطور ژاپن شکل می گیرد که امپراطور ژاپن در مورد ساز و کار جهاد سازندگی سوالاتی می پرسد و آقای هاشمی می گوید: «من برای هیچکدام از سوالات

پاسخ مشخصی نداشتیم». کمی که در کتاب پیش می‌رویم نویسنده می‌نویسد: «هنوز دقیق نمیدانیم، جهاد چگونه شکل گرفت، چگونه استمرار پیدا کرد و چگونه منحل شد. جهاد چه بود و چرا ما دیگر نمی‌توانیم نهادی کارآمد، مردمی و فراگیر نظیر آن در کشور ایجاد کنیم». با توجه به اسناد مرور شده پر واضح است که ما شناخت جامعی از آنچه تجربه کرده ایم نداریم. برای احیای جهاد نیازمند شروع نهضت مطالعات جهادسازندگی هستیم و احیای جهاد یک فرایند زمان بر است و یک شب ممکن نخواهد بود. باید یک ستاد چابک به منظور رصد، پایش و جهت دهی تحقیقات در این زمینه ایجاد کنیم.

۲. میدان داری مردم و نخبگان میانی در حرکت‌های اجتماعی:

میدان داری توده مردم و هماهنگی بین خودشان از واضح ترین روندهایی است که در تشکیل جهاد می‌توان مشاهده کرد. برای آشنایی با نحوه شکل‌گیری جهاد و حضور مردم قسمتی از تجربیات شهید، مهندس حسینی‌علی عظیمی را با هم مرور می‌کنیم. قبل از فرمان امام(ره) برای تشکیل جهاد سازندگی، جو عمومی برای آباد کردن کشور، کمک به مستضعفان و احساس ادای دین به شهدای انقلاب در بین مردم وجود داشت. بخصوص اینکه دانشجویان متعهد مقدماتی را در استان‌ها برای به ثمر نشستن این موضوع فراهم کردند. این دانشجویان با شهید بهشتی صحبت کرده بودند و امام(ره) هم به ایشان فرمودند که شما مقدمات کار را حاضر کنید، من فرمان شروع را می‌دهم. دانشجویان بین خودشان تقسیم کاری انجام دادند. باید با بچه مسلمان‌ها در شهرهای مختلف صحبت می‌کردند که معمولاً از ارتباط با روحانیت انقلابی منطقه و همچنین مقامات استانی، مثل استاندار شروع می‌شد. اوضاع بسیار نامناسبی بود و بعد از آن دعواهای دانشگاه تعطیل شد. در این تعطیلی دانشگاه‌ها، دانشجویان و افرادی که انگیزه خدمت داشتند، به جهاد سازندگی رفتند و عملاً جهادسازندگی با حضور دانشجویان تشکیل شد (رسم جهاد، ص ۳۱-۳۲، فصل تشکیل ساختار). حال می‌توانیم این روند را با آنچه در حال حاضر در کشور دارد رخ می‌دهد و قرار است با این روند جهادسازندگی را

احیا کنیم، مقایسه کنیم. آنچه روایت می‌گردد، اخبار احیای جهادسازندگی می‌باشد. ۱۹ شهریور: وزیر جهاد کشاورزی در حاشیه بازدید از باغ گل محمدی گفت مبنی بر دستور رئیس‌جمهور در مورد احیای جهاد، بزودی لایحه‌ای به دولت خواهیم داد. چند روز بعد نامه‌ای در فضای مجازی منتشر شد مبنی بر اینکه وزیر جهاد تمهیدات لازم برای این مهم را به رئیس سازمان تعاون روستایی سپرده است. ۹ مهر: رئیس‌جمهور در حاشیه دیدار استانی کهگلویه بویر احمد از احیای جهاد سازندگی با محوریت سامان دادن به انگیزه‌ها و عزم و اراده جهادی جوانان مخلص و کارآمد کشور، خبر داد. ۱۳ مهر: جلسه با برخی از پیشکسوتان و جوانان جهادی برگزار شد که خروجی آن تدوین ساز و کار احیای مأموریت‌های جهاد سازندگی شد. در جلسه‌ای دیگر با معاون اول رئیس‌جمهور مطرح شد که جهاد سازندگی باید آسیب شناسی شود و در اقدامی ناگهانی به فاصله کمتر از دو ماه صحبت از شورایی با عنوان شورای عالی جهادسازندگی و امور عشایری می‌گردد!

۳. توجه به تجربیات گذشته و عبرت‌پذیری از آن‌ها:

شهید حسینی‌علی عظیمی به عنوان پدر احیای جهاد سازندگی، بالغ بر چند صد ساعت مصاحبه با فرماندهان جنگ جهاد انجام داد و راه‌های مختلفی (جام شوش - جهاد البناء لبنان - شرکت توسعه منطقه‌ای شمائل - سیمرغ فناوران - کانون سنگر سازان بی‌سنگر و ...) را که توضیح آن در این مقاله نمی‌گنجد و خود مقالات جداگانه‌ای را می‌طلبید، آزمود. اما همچنان راه باقی است و به نسخه‌هایی برای احیای جهادسازندگی دست نیافتیم. همچنین افراد دیگری از نماینده ولی فقیه در جهاد کشاورزی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ... نیز تلاش‌هایی را در جهت احیای جهاد انجام داده‌اند که هنوز به سر انجام نرسیده و در مواردی با سرخوردگی مشارکت‌کنندگان در طرح مواجه شده است. این مهم هر فرد حکیمی را به بررسی نقاط ضعف و شکست‌های گذشته و امیدوار تا دوباره دچار اشتباهات گذشته نشویم و مومن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود.

دولت تعریف شود. از ویژگی های این ستاد دسترسی عموم جامعه به طرح های پیشنهادی برای مسائل مختلف از جمله احیای جهادسازندگی خواهد بود تا نقاط قوت و ضعف هر طرح از دیدگاه نخبگان (فعالان، متخصصان و پیشکسوتان هر مسأله) به هر طرح ضمیمه شود تا تصمیم گیری برای مسئولین و آگاهی از جوانب تصمیم افزایش یابد.

منابع

۱. پیام تشکیل جهاد سازندگی توسط امام خمینی(ره)-۱۳۵۸
۲. پیام امام خمینی به مسئولان برگزاری سمینار جهادسازندگی-۱۳۶۷
۳. از جهاد تا جهاد، سید حسن فیروزآبادی-۱۳۹۰، چاپ اول
۴. رسم جهاد- حسینعلی عظیمی-۱۳۹۶، چاپ اول
۵. ارائه الگوی راهبردی جهادسازندگی بر اساس گفتمان ولایت فقیه، قانون اساسی و تجارب نظام جمهوری اسلامی، میرزایی و شیخی-۱۳۹۸
۶. مصاحبه با پیشکسوتان جهادسازندگی
۷. الگوی شکل گیری نوآوری اجتماعی در جهادسازندگی، روح الهی و دیگران-۱۳۹۷
۸. مدیریت و سازماندهی مراکز تحقیقات صنعتی با تأکید بر: سازماندهی و تشکیلات مرکز تحقیقات مهندسی جهادسازندگی، محمد علی شریفیان-۱۳۷۱
۹. نهج البلاغه
۱۰. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری
۱۱. An institutional history of the Iranian Construction Jihad: From inception to institutionalization (۱۹۷۹-۲۰۱۱) - Eric lob

۴. انتقال انباشت اطلاعات موجود به مسئولین و عموم جامعه:

به علت کم توجهی به نهادهای انقلاب اسلام، بخصوص جهادسازندگی باعث شده قرائت های مختلف و کج فهمی هایی نسبت به این نهاد در جامعه و مسئولین ایجاد گردد. در صورتی که ترویج مناسبی از جهادسازندگی رخ دهد، علاوه بر ایجاد فهم مشترک از جهادسازندگی که در هدایت سرمایه های اجتماعی کارآمد است می توان با نسخه های تقلبی و قرائت های نادرست هم مقابله کرد و از ارائه نسخه های امحای جهاد که به جای احیای آن ارائه می شوند نیز پیشگیری کرد.

اما صورت مسأله ای که رئیس جمهور در پاسخ آن به احیای جهادسازندگی رسیده است چیست. ابتدا باید مسأله و زمینه های آن را مشخص کنیم تا پاسخ را بیابیم. بر اساس پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری ایران، موضوع احیای جهاد سازندگی با محوریت سه مسأله بیان شده است.

۱. جلوگیری از مهاجرت و احیای روستا
 ۲. سامان دادن به انگیزه ها و عزم و اراده ی جوانان مخلص و کارآمد کشور (حمایت از گروه های جهادی)
 ۳. تبیین و عینیت بخشی گفتمان تحول
- پاسخ این مسائل، انقلاب (احیای جهادسازندگی) نیست، بلکه اصلاحات (طرح های اجرایی یا نزدیک به اجرا) است. بسیاری از افراد پیشکسوت و جوان طرح هایی برای بهبود و حل این مسائل دارند که می تواند وضعیت کشور را بهبود دهد. پیشنهاد می کنم به دنبال طرح های اجرایی آماده و نزدیک به اجرا با همان هویتی که خلق شده اند باشیم. این قطعاً اولین گام به سمت احیای جهاد خواهد بود. برای گام اول پیشنهاد می شود دو موضوع مد نظر قرار بگیرد. اول، یک ستاد چابک با مأموریت رصد، پایش و جهت دهی تحقیقات در موضوع جهادسازندگی به منظور ساماندهی نهضت مطالعات جهادسازندگی در دولت ایجاد گردد. این کار شروع یک کار بنیادی برای کشور خواهد بود که دولت های متفاوتی از آن ارتزاق خواهند کرد. دوم، یک ستاد چاک با هدف شناسایی طرح های اجرایی و بیان مسائل

رئیس هیئت مدیره کانون سنگرزانه بی سنگر در سی و یکمین جلسه فصلی مدیران کانون‌ها:

مشکلات ایثارگران را بایستی احصاء و در جهت حل آنها تلاش کنیم



سنگر، کانون جهادگران و کانون بازنشستگان تشکیل شد. در جلسه ای هم با معاون اول رئیس جمهور هم برگزار شد. به وزیر جهاد هم توصیه شد که اینگونه که یک سازمان را تبدیل به جهاد سازندگی کنید، محکوم به شکست است که بحمدالله این نظر را پس گرفته اند.

لازم به ذکر است سی و یکمین جلسه فصلی شورای هماهنگی کانون های سنگرزانه بی سنگر استان ها و شهرستان های ویژه روز چهارشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۰ در سالن توسعه وزارت جهاد کشاورزی برگزار گردید. در این مراسم علاوه بر مدیران عامل کانون های سراسر کشور، آیت الله ربانی نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی، دکتر متکان معاون توسعه مدیریت مدیریت و منابع وزارت جهاد کشاورزی و جمعی از مدیران اداره کل امور ایثارگران این وزارتخانه حضور داشتند.

محمدحسین صفرپور طاهر در سی و یکمین جلسه فصلی شورای هماهنگی کانون سنگرزانه بی سنگر استان ها و شهرستان های ویژه با اشاره به حضور نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی در این جلسه تصریح کرد: ما توقع داریم آقای ربانی احیاء گر فضای جهاد در وزارت جهاد کشاورزی باشند و ما از هیچ کمکی در این راه دریغ نخواهیم کرد.

صفرپور طاهر با اشاره به اینکه کانون سنگرزانه بسیار بزرگ است و حدود ۳۰ هزار نفر عضو قطعی دارد اشاره کرد: تمام مجموعه های ایثارگری مانند اداره کل امور ایثارگران، شرکت های ایثارگری و کانون برای حل این مشکلات تاسیس شده اند و اعتبار آنها تنها در این جهت است. ما بایستی برای حل مشکلات ایثارگران برنامه ریزی و از تمامی پتانسیل خود برای این موضوع استفاده کنیم.

وی با اشاره به ایده تاسیس جهاد سازندگی گفت: این ایده بسیار خوبی است. چندین جلسه بین کانون سنگرزانه بی

نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی در سی و یکمین جلسه فصلی مدیران کانون ها:

روزمنده دیروز، بخاطر مشکلات امروز، نباید از ارزشی ها فاصله بگیرد



های بزرگ الهی دانست و اشاره کرد: یک زمانی تمام ابر قدرتها از شاه خائن حمایت می کردند تا انقلاب مردمی را سرکوب کنند ، اما این مردم بودند که با دست خالی و تکیه به ایمان الهی بر همه این ها پیروز شدند.

نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی، نقش رهبری امام خمینی(ره) را در این پیروزی بسیار عجیب و بزرگ دانستند و ضمن نقل خاطراتی از امام دلها به بصیرت و بینش و درایت خاص ایشان در امور ارتباطی خود با مردم در زمان قبل از پیروزی انقلاب اشاره کردند و وجود این شخصیت بزرگ تاریخ را از اعجاز الهی دانستند.

حجت الاسلام والمسلمین ربانی در ادامه صحبتهای خود به عدم دلسردی در مقابل بعضی از نا ملایمات و شرایط جامعه اشاره کرد و گفت: دلسرد شدن معنایی ندارد در جایی که خداوند متعال شاهد و ناظر گذشته ما و حال ماست . وی جهاد امروز را بسیار بزرگ تر از جهاد گذشته دانست و تصریح کرد: در گذشته دشمنان ما کاملاً مشخص شده بود و جبهه حق و باطل مرز مشخص عیان بود در حالیکه امروزه بدین

نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی در سی و یکمین جلسه فصلی شورای هماهنگی کانون سنگسازان بی سنگر استان ها و شهرستان ویژه ضمن خوش آمدگویی و تبریک ایام ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) به آستانه ایام الله مبارک دهه فجر اشاره کردند و این دهه را اعجاز الهی دانستند و یاد آور شدند که هرگز نباید گذاشت که این ایام به فراموشی سپرده شود و نسبت به این ایام و گرامیداشت امام راحل و شهدای گرانقدر بویژه شهدای جهاد سازندگی نباید غفلت کرد.

آیت الله سیدحسن ربانی در ادامه با اشاره به آیات الهی ، ذکر کردن نعمت های الهی را از اهمیت ویژه دانستند و گفتند : با توجه به اشاره قرآن کریم شماردن نعمت های الهی از حد توان انسان خارج است و ما باید نعمت های الهی را ولو موردی برای خود یاد آوری کنیم و قدر آنها را بدانیم و بهترین راه قدر دانی نعمت الهی را پیگیری و قدردانی و دلگرم بودن به نعمت ها دانستند.

وی پیروزی انقلاب اسلامی ایران را یکی از همین نعمت

شان که جان و عمر بود را در طبق اخلاص گذاشتند و برای ما جانفشانی کردند حالا به محبت ما در زمینه های مختلف نیاز دارند توجه ویژه داشته باشیم و نگذاریم رشادت های آنها و خدمات آنها در پیچ و خم زندگی کم رنگ و نادیده گرفته شود که این خود باعث دلسردی آن رزمنده و خانواده او می شود.

سطح سوم این برنامه ریزی ها نشست مشترک بین کانونها و ایجاد همدلی و کار های بزرگ و مشترک است که اگر این اتفاق بیفتد قطعا کارهای بزرگ و اساسی صورت خواهد گرفت و هر مجموعه می تواند به خوبی یک گوشه کار را گرفته و به درستی انجام دهد.

در ادامه برخی از حاضرین به ارائه دیدگاه ها و نظرات خود در مورد موضوعات مطرح پرداختند که درخواست دیدار سنگرزبان بی سنگر با مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در راس این درخواست ها مطرح شد و آیت الله ربانی قول مساعد دادند تا پیگیر این موضوع باشند.

شکل نیست و این امر باعث می شود که اجر جهاد در این زمانه از گذشته بسیار بالاتر باشد .

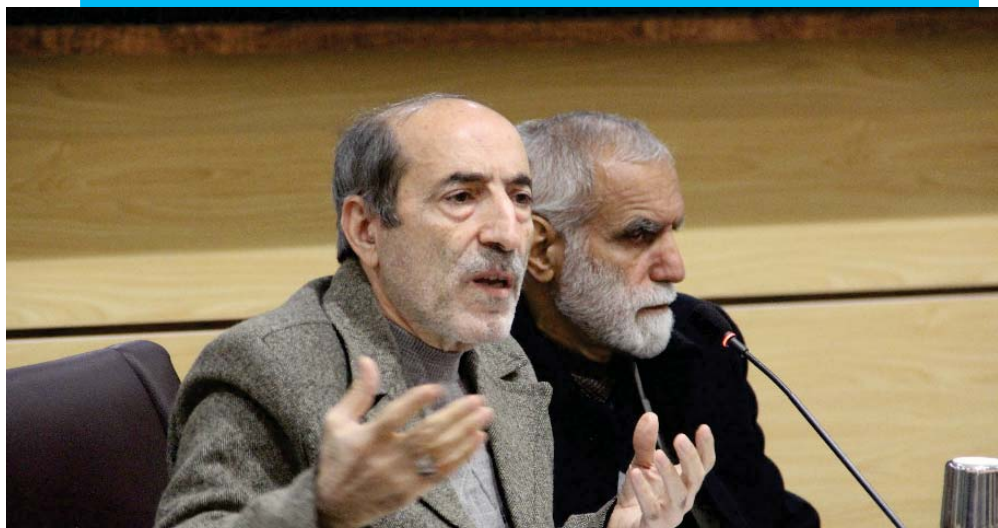
نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی در جمع مدیران کانون های سنگر ساز بی سنگر، برنامه ریزی خوب و دقیق را از اوجب واجبات در کارها دانست و گفت: ما باید برنامه ریزی برای کارها داشته باشیم و این برنامه ریزی ها باید در چند سطح دیده بشود که اولین آن بحث محرومیت زدایی است و این خیلی مهم است ، در همین مجموعه بزرگ جهاد کشاورزی چقدر هستند که منتظر همت ما و مجموعه های ما در عرصه محرومیت زدایی هستند ، و سطح بعدی این برنامه ریزی ها باید متوجه ارتقاء سطح دینی و ایمانی افراد نیروهای این مجموعه باشد که بحمدالله این مجموعه در حال حاضر قریب به ۳۰ هزار نفر عضو دارد و قطعا در زمینه ای که بدان اشاره شد در خصوص دلگرمی و عدم دلسردی ، این مجموعه ها برای اعضاء خود قطعا بسیار کار آمد خواهند بود. ما باید برای تعالی خودمان برنامه ریزی داشته باشیم.

ما باید به نیازهای عزیزی که یک روز تمام سرمایه خود



مدیرعامل کانون سنگرزبان بی سنگر در سی و یکمین جلسه
فصلی مدیران کانون ها:

اینکه کانون سنگرزبان بی سنگر برای خدمات رسانی به ایثارگران دارای ردیف بوده چه باشند انتظار زیادی نیست



ها فرماندهانی هستند که در دوران دفاع مقدس مسئولیت فرماندهی داشتند و این فرماندهان اعضای هیئت مدیره کانون مرکز را انتخاب می کنند.

صدوری افزود: من متاسفم اعلام کنم که علیرغم چندین بار تصویب و تأیید وزرای محترم جهاد کشاورزی در دوره های قبل، کانون ها بعضاً حتی برای محل استقرار خود هم مشکل دارند و کمتر توسط سازمان های جهاد کشاورزی مورد حمایت قرار می گیرند. این انتظار زیادی نیست که حمایت بشویم. حتی انتظار زیادی نیست که ما برای ارائه این خدمات ردیف بودجه ای داشته باشیم.

مدیرعامل کانون تصریح کرد: همچنین در دوره های قبل وزیران و معاونین توسعه تصویب کرده بودند که درصد قابل توجهی از منابع حاصل از پرداخت اقساط شرکت های ایثارگری مانند تلاشگران اقتصاد پایدار یا جهاد نصر را به حمایت از ایثارگران اختصاص دهند که متأسفانه در این دوره تاکنون در این زمینه همکاری لازم به عمل نیامده است. این انتظار زیادی نیست که همان مصوبات اجرایی شود. بسیاری از ایثارگران سنگرزبان بی سنگر مشکلاتی دارند که متأسفانه چه ما و چه اداره کل امور ایثارگران به علت ضیق منابع مالی قادر به پاسخگویی نیستیم.

مدیرعامل کانون سنگرزبان بی سنگر در سی و یکمین جلسه فصلی شورای هماهنگی کانون سنگرزبان بی سنگر استان ها و شهرستان های ویژه گفت: جهاد به عنوان رکن سوم جنگ بیش از ۵۴۰ هزار نفر نیرو به جبهه های دفاع مقدس اعزام کرده است که به جهت نداشتن سازمان و ساختار مشخص رزمی در جهاد، این نیروها با مشکلات زیادی روبرو شده اند.

محمد صدوری با بیان این مطلب افزود: پس از پایان جنگ ارتش که نیروی مردمی نداشت با مشکلاتی روبرو نشد. سپاه نیز با داشتن سازمان بسیج با مشکل خاصی روبرو نیست ولی نیروهای جهاد متولی خاصی نداشتند. فلسفه تشکیل کانون سنگرزبان بی سنگر نیز همین است که بازو و مددکار وزارت جهاد کشاورزی و اداره کل امور ایثارگران این وزارتخانه در ارائه خدمات به جامعه سنگرزبان بی سنگر باشد. مدیران وقت وزارت جهاد کشاورزی نیز با همین نگاه اقدام به تشکیل سازمان مردم نهاد کانون کردند و مصوب هم کردند که در راه ارائه خدمات این کانون را یاری کنند.

وی افزود: ما در سراسر کشور کانون سنگرزبان بی سنگر داریم که اعضای حاضر مدیران عامل یا رؤسای هیئت مدیره این کانون ها هستند. اعضای هیئت مدیره این کانون

معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت جهاد کشاورزی در جلسه فصلی شورای هماهنگی کانون‌های استان‌ها و شهرستان‌های ویژه:

مشکل ما این است که در ساختار وزارت جهاد منابع قوی در مورد خدمات رسانی به جهادگران نداریم



آن نیاز داریم.

دکتر متکان با اشاره به برخی از موضوعاتی که مدیران کانون‌ها مطرح کردند گفت: علیرغم اینکه در بودجه وزارتخانه جهاد کشاورزی مبلغی برای حل مشکلات ایثارگران جز مبلغ اندکی که در اداره کل امور ایثارگران دیده شده وجود ندارد ولی سعی خواهیم کرد تا در حد توان در حل مشکلات گام برداریم.

معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت جهاد کشاورزی در پایان تصریح کرد: طرح و برنامه مشخصی بدهید تا هم افزایش کنیم و ما هم تا جایی که قانون اجازه بدهد در این راه شما را کمک خواهیم کرد.

سی و یکمین جلسه فصلی شورای هماهنگی کانون‌های سنگرزانه بی سنگر استان‌ها و شهرستان‌های ویژه روز چهارشنبه ۶ بهمن ماه ۱۴۰۰ با حضور روسای هیئت مدیره، مدیران عامل کانون‌های سراسر کشور و تعدادی از مسئولین وزارت جهاد کشاورزی برگزار گردید.

دکتر علی اکبر متکان در سی و یکمین جلسه فصلی شورای هماهنگی کانون‌های استان‌ها و شهرستان‌های ویژه با یاد از شهدا و سردار جهادگر زنده یاد مهدی ورشابی گفت: ما شاید به خوبی جهادگرانی که آن همه در دفاع مقدس حماسه آفریدند را نمی‌شناختیم و بایستی در این راه تلاش مضاعفی کنیم.

معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه این وزارتخانه وظیفه دارد تا در حد توان به ایثارگران خدمات رسانی کند افزود: مشکل ما این است که در ساختار وزارت جهاد منابع قوی در مورد خدمات رسانی به جهادگران نداریم.

وی با بیان برخی از موانع و مشکلاتی که در حال حاضر دولت با آن مواجه شده است تصریح کرد: در دوران دفاع مقدس درست است که شهادت داشتیم و فراغ دوستان و آشنایانمان سخت بود، ولی حضور یکپارچه مردم در حل مشکلات نقطه عطف و مثبتی بود که این روزها بیشتر به





ما باید تفکر پدران شما و جهاد سازندگی را در مجموعه بیاوریم و تفکر آنها را احیا کنیم



وی تاکید کرد: جهاد سازندگی و شهدای جهاد سازندگی برای کشور فراموش نشدنی است این ها در اوج ایثار بودند، آنها سبک نداشتند و سبک می ساختند یعنی با علم به آن کاری که می کردند جنگیدند و ایستادند و شهید شدند این برای ما هم یک وظیفه بزرگ ایجاد می کند.

ایشان خاطر نشان کرد؛ هر چه جهاد کشاوری دارد از برکت همان نگاه و تفکر پیشکسوتان است که در همین عرصه هستند.

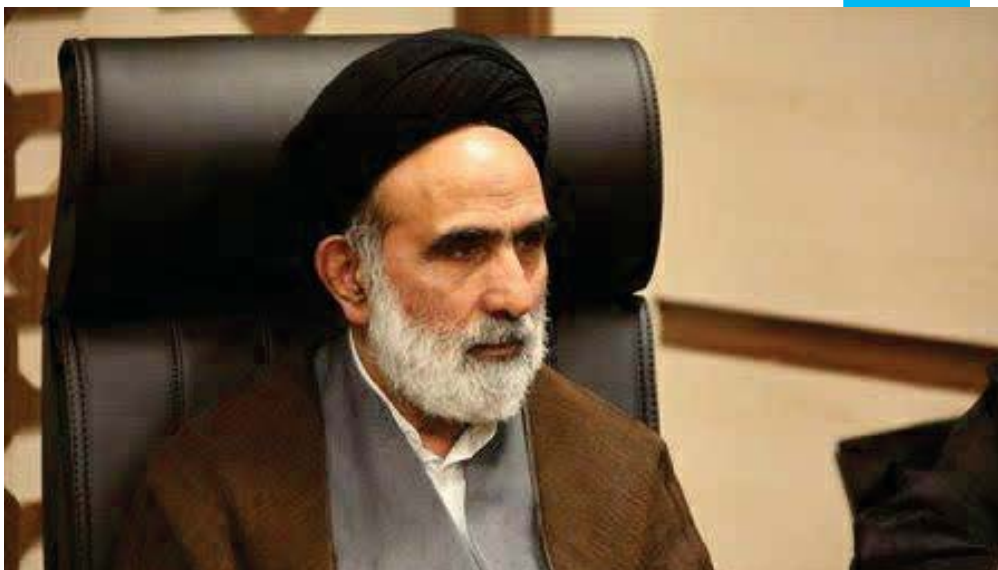
موفقیت های جهاد کشاوری هم مدیون همان دیدگاه و تفکر و راه رسم است، که ما هم باید آن را جاری و ساری کنیم ما باید تفکر پدران شما و جهاد سازندگی را در مجموعه بیاوریم و تفکر آنها را احیا کنیم و البته کار راحتی نیست اما با وجود شما ها شدنی است و شما فرزندان شهدا گام دوم حضرت آقا هستید و حتما ما باید بتوانیم از این تفکرات دیدگاه ها و پایداری و فداکاری شما به این نظام و انقلاب استفاده کنیم.

دکتر سید جواد ساداتی نژاد وزیر جهاد کشاورزی همزمان با دومین سالگرد شهادت «سردار دلها شهید حاج قاسم سلیمانی و روز جهانی مقاومت» و در گردهمایی فرزندان شاهد شاغل در ستاد وزارت جهاد کشاورزی به اهمیت احیاء تفکرات شهدا و جهاد گران در این وزارتخانه اشاره کرد و گفت: شهدا کارهای بزرگی انجام دادند و قطعا فرزندان شهدا هم می توانند در مسیر پدرانشان قدم بردارند.

وی افزود: شهدا افراد اثرگذار بر کشور و دنیا بودند و فرزندانشان هم می توانند بر تاریخ و دنیا موثر باشند بنابراین حضور فرزندان ۳۶۰۰ شهید در وزارت جهاد کشاورزی برای این وزارتخانه یک نقطه اتکا محسوب می شود.

ساداتی نژاد با بیان این که حضور فرزندان شهدا در این وزارتخانه تضمین کننده پایداری، حرکت رو به رشد و حرکت پاک و محکم در وزارت جهاد کشاورزی است، عنوان کرد: شما قوام دهنده این حرکت، چشمان وزیر در این وزارتخانه، تضمین کننده موفقیت و موجب امنیت خاطر وزرا هستید و ما به وجودتان افتخار می کنیم.

ما وظیفه داریم فداکاری و جانبازی شهدا را به درستی بشناسیم



به شهدا، خانواده آنها و فرزندان شهدا است که نباید از آن غفلت کرد.

ما وظیفه داریم فداکاری و جانبازی شهدا را به درستی بشناسیم و قدردان زحمات و فداکاری این نعمت باشیم و شهدا را تجلیل و تکریم کنیم و به ابعاد گسترده شخصیت آنها شناخت داشته باشیم.

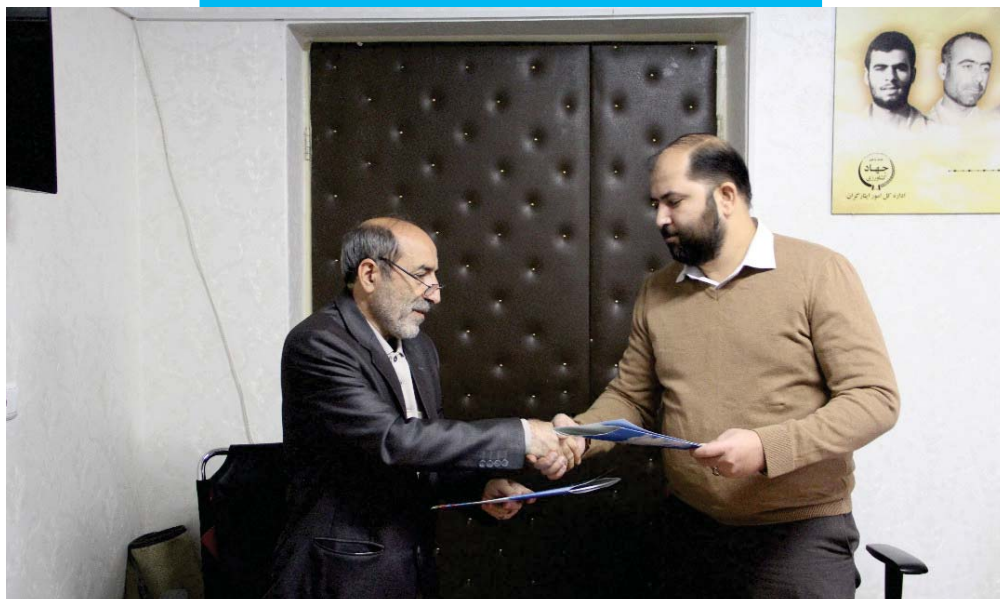
ایشان خواستار پیشرفت علمی و مهارتی فرزندان شهدا شد و اظهار داشت: تلاش کنید تا در سایه تلاش، هم رشد علمی داشته باشید هم رشد اخلاقی.

وی به معرفی کتاب تنها گریه کن پرداخت و افزود: ارتباط خود را با شهدا حفظ کنید، شهدا زنده هستند و آیات قرآنی و توجه شهدا به فرزندان خود گویای این حقیقت است.

حجت الاسلام والمسلمین سید حسن ربانی نماینده ولی فقیه همزمان با دومین سالگرد شهادت «سردار دلها شهید حاج قاسم سلیمانی و روز جهانی مقاومت» و در گردهمایی فرزندان شاهد شاغل در ستاد وزارت جهاد کشاورزی ضمن خیر مقدم به فرزندان شهدا، ایام فاطمیه و سالگرد حاج قاسم سلیمانی را تسلیت گفت و از زحمات مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی و کانون همبستگی فرزندان شهدا به خاطر برگزاری این گردهمایی در سالروز شهادت سردار دلها تشکر کرد و خواستار برنامه ریزی جهت برگزاری جلسه پرسش و پاسخ و دیدار چهره به چهره با فرزندان شهدا شد.

نماینده ولی فقیه در ادامه بر برنامه ریزی بلند مدت تاکید کرد و خطاب به فرزندان شهدا گفت: اولین وظیفه ما نسبت

امضای تفاهم نامه اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی و کانون سنگرزان بی سنگر



ایثارگران) در چهارچوب قانون و با تایید کمیسیون ایثارگران هر استان خواهد بود و تشخیص و تعیین مصادیق تفویض اختیار یا استفاده از همکاری کانون سنگرزان بی سنگر و همچنین برنامه ریزی و مدیریت، نظارت و هماهنگی در این خصوص با کمیسیون ایثارگران هر استان خواهد بود. همچنین تشخیص و تعیین مصادیق تفویض اختیار یا بهره گیری از مشارکت کانون سنگرزان بی سنگر در مرکز، به عهده مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران و مدیرعامل کانون سنگرزان بی سنگر خواهد بود. در صورت ضرورت (با عنایت به اهمیت موضوع) به تشخیص مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران، این امر جهت تصمیم گیری به کمیسیون مرکزی ایثارگران ارجاع خواهد شد.

در راستای ترویج فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت و پاسداشت مقام والای شهدا و ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی و به منظور تقویت فرهنگ و روحیه جهادی و همچنین تسهیل خدمت رسانی به ایثارگران معزز پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد، تفاهم نامه ای بین اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی و کانون سنگرزان بی سنگر مرکز منعقد شد.

این تفاهم نامه پیرامون همکاری در حوزه های فرهنگی و پژوهشی و همچنین تعاون و امور اجتماعی بر اساس موارد تعیین شده در این تفاهم نامه منعقد شده است. در بخشی از توضیحات این تفاهم نامه آمده است: تصمیم گیری در خصوص استفاده از پتانسیل کانون ها (برون سپاری یا مشارکت) در همه بخش ها (خصوصاً تصدی گری در حوزه شرح وظایف محوله به ادارات امور

هم‌اندیشی کانون سنگرزانه بی‌سنگر و اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی



در راستای انجام ماموریت‌های محوله، در خصوص مواردی چون؛ تشکیل جلسه مشترک فصلی امور ایثارگران و مدیران عامل کانون‌های سنگرزانه بی‌سنگر سراسر کشور در بهمن ماه سال جاری، جلسه شورای هماهنگی ماهانه و همچنین همکاری بین معاونت‌های فرهنگی دو مجموعه به منظور هم‌افزایی و تقویت در حوزه‌های تعریف شده امور فرهنگی، راهیان نور و برگزاری مراسم در مناسبت‌های گوناگون بحث و تبادل نظر شد.

اولین جلسه هماهنگی در راستای اجرایی شدن تفاهم نامه همکاری کانون سنگرزانه بی‌سنگر و اداره کل امور ایثارگران برگزار گردید.

در این جلسه که محمد صدوری مدیر عامل کانون سنگرزانه بی‌سنگر و فتح‌الله نادعلی معاون فرهنگی این مجموعه، سید حمزه رضوی مدیر کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی و معاونین این اداره کل حضور داشتند، ضمن تاکید بر همکاری و همراهی بیش از پیش این دو مجموعه

آیین اربعین ارتحال حاج مهدی ورشابی



رشادت‌های زنده یاد حاج مهدی ورشابی در دوران دفاع مقدس پرداختند.

مراسم گرامیداشت سردار جهادگر حاج مهدی ورشابی همزمان با چهلمین روز عروج آن مرحوم روز جمعه ۱۷ دی ماه ۱۴۰۰ از سوی خانواده، دوستان و همزمان بر مزار آن مرحوم در قطعه ۵۱ بهشت زهرا(س) تهران و در مجاورت مزار سردار جهادگر حاج حسینعلی عظیمی برگزار گردید.

در این مراسم که جمع کثیری از همزمان و همسنگران آن فرمانده فقید حضور داشتند، سردار حسین علایی، هدایت الله نواب و غلامرضا فروزش با بیان خاطراتی، به شرح



دومین جلسه مجمع اندیشه ورزان جهاد به میزبانی کانون سنگر سازان بی سنگر مرکز برگزار شد



به بیان خاطرات احساسی بسنده شده است. ایشان افزود: زمان آن رسیده است که با توجه به نیاز جامعه در حال حاضر و حرکت کشور در گام دوم انقلاب، از تجربه های گرانسنگ دفاع مقدس و یافته های ناب و عملیاتی و پژوهش محور جهاد سازندگی در جریان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، نهایت بهره برداری کاربردی صورت پذیرد.

جواد فرحزادی مسئول دفتر ترویج فرهنگ جهادی کانون نیز علاوه بر تأکید بر حضور جریان انحراف و محتوای غلطی که در حال تولید است، بر اهمیت رسالت این جمع تأکید و به عنوان نمونه بر حذف ۲۷ خرداد به عنوان میعاد همه جهادی ها و سالروز تشکیل جهادسازندگی اشاره کرد. در ادامه جلسه سید جواد میرشفیعیان معاون امور استان های کانون پیشنهاد داد که توسط جمع حاضر طرحی کار شناسانه برای احیای جهاد آماده و در اختیار مسئولین قرار گیرد.

در ادامه جلسه سایر اعضا نیز به صورت مشروح به بیان نقطه نظرات خویش پرداختند.

دومین جلسه اندیشه ورزان جهاد به دعوت دفتر کتابخانه و ترویج فرهنگ جهادی کانون در روز سه شنبه ۱۴۰۰/۱۰/۲۱ با حضور گروهی از کارشناسان و جوانان و پیشکسوتان صاحب نظر در عرصه فعالیت های جهادی در سالن جلسات کانون سنگر سازان برگزار و پیرامون مسایل مورد نظر بحث و تبادل نظر گردید.

محمد صدوری مدیر عامل کانون ضمن خوش آمد گویی به حاضرین اعلام کرد: از هر گونه کار در راستای حفظ جریان جهاد و جلوگیری از انحراف جریان جهادی استقبال می کنیم. ایشان ادامه داد: هر زمان دوستان به امکانات کانون برای جلسات نیاز داشتند؛ کانون خانه خودشان و متعلق به آنهاست. همچنین ایشان در مورد طرح احیای جهاد گفتند: معمولاً بعد از سکوت های ناگهانی طرح های غیر عادی ارائه می گردد و لازم است که همه دوستان نسبت به موضوع احیای جهاد هوشیار باشند.

در ادامه فتح اله نادعلی معاون فرهنگی کانون نیز طی سخنانی گفت: تاکنون کمتر با نگاه علمی به تجربه های دفاع مقدس پرداخته شده و معمولاً در روایت دفاع مقدس

اراده، جسارت، اخلاص و مدیریت جهادی از یادگاران رزمندگان جهاد سازندگی است



خواست مقام معظم رهبری و روسای قوای سه گانه است. وی ادامه داد: در مسیر طولانی و پرتلاطم انقلاب مدیریت جهادی به یک الگوی مدیریتی تبدیل شده و در حالی که این مدیریت سال ها در کشور جایش خالی بود الان در حال احیا است.

فصاحت خاطر نشان کرد: اراده، جسارت، اخلاص و مدیریت جهادی از یادگاران رزمندگان جهاد سازندگی است که باید از این میراث ارزشمند حفاظت کنیم.

به گفته وی، وظیفه داریم با مدیریت جهادی مقتدرانه که مبتنی بر خدمت صادقانه، همراه با علم و مبانی دینی و دانش نخبگان و جوانان است موجب خوشحالی مقام معظم رهبری شویم.

سی و چهارمین یادواره شهدای رزمندگان جهاد سازندگی استان های البرز و تهران با حضور جمعی از رزمندگان و جانبازان و خانواده معظم شهدا در سالن دعای ندبه بهشت زهرا (س) تهران برگزار شد.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان تهران با بیان اینکه لازمه مدیریتی جهادی در کشور احیای جهاد سازندگی است، اعلام کرد: با این روحیه جهادی می توان در جنگ اقتصادی پیروز شد.

ایوب فصاحت روز پنجشنبه ۲۳ دی ماه در یادواره شهدای سنگرز استان بی سنگر استان های تهران و البرز که در سالن دعای ندبه بهشت زهرا (س) برگزار شد با بیان اینکه فرهنگ جهاد سازندگی مربوط به دوران جنگ نبود، افزود: به گفته مقام معظم رهبری این فرهنگ به عنوان یادگار معمار کبیر انقلاب اسلامی، قبل از جنگ توسط امام راحل شکل گرفت و اکنون نیز مورد تاکید مقام معظم رهبری است.

وی با بیان اینکه جهادگران استان های تهران و البرز در دوران جنگ تحمیلی با بیش از ۶۰ هزار رزمنده با دشمن مقابله کردند، گفت: در دوران جنگ نیز ۳۰۰ نفر از این عزیزان به درجه رفیع شهادت نائل شدند.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان تهران با اشاره به اینکه در آن دوران مهمترین وظیفه جهادگران مدیریت جنگ بود، گفت: امروز نیز این جهاد ادامه دارد و اکنون نیز مهمترین وظیفه جهادگران تامین امنیت غذایی مردم است که این

پنجمین یادواره شهدای عملیات غرور آفرین کربلای پنج در سازمان جهاد کشاورزی استان مرکزی

رسالت امروز مردم و مسئولین است که در گام دوم انقلاب باید مورد توجه همه باشد.

وی افزود: عملیات کربلای ۵ یک بعد نظامی دارد که می توان به آمارهای غرور انگیز مراجعه کرد و یک بعد با عظمت کربلای ۵ ولایت پذیری، اعتماد به ولایت و کار را خالصانه برای خدا انجام دادن است، که رزمندگان در این امتحان بزرگ، موفق عمل کردند.

کریمی تصریح کرد: فرهنگ اعتماد به نصرت الهی و ولایت فقیه پیام مهم عملیات کربلای ۵ است و این پیام علاوه بر اینکه ملت ایران را در طول ۴۲ سال گذشته موفق کرده در جبهه مقاومت نیز دستاوردهای بسیاری خلق کرده ، امروز برای عبور از مقاطع حساس انقلاب باید از این پیام مهم عملیات کربلای ۵ به خوبی استفاده کنیم.

پنجمین یادواره شهدای عملیات غرور آفرین کربلای پنج با استقبال با شکوه پرسنل سازمان جهاد کشاورزی استان مرکزی و تشییع پیکر مطهر شهید گمنام در سازمان جهاد کشاورزی استان مرکزی برگزار شد.

در این مراسم؛ خانواده معظم شهداء و ایثارگران، حجت الاسلام والمسلمین دکتر توکلی مسئول نماینده ولی فقیه، مهندس صفری رییس سازمان جهاد کشاورزی، رییس امور ایثارگران سازمان، سردار کریمی فرمانده سپاه روح الله، مسئولین نهادهای و سازمانها، مدیر کل حفظ آثار ارزشهای دفاع مقدس استان مرکزی حضور داشتند.

سردار کریمی فرمانده سپاه روح الله استان مرکزی در این مراسم گفت:

کار برای خداوند و خدمت صادقانه به مردم مهمترین



ذکر خیر زحمات و خدمات جهادسازندگی همچنان بر زبان مردم جاری است



حضرت امام خمینی (ره) که همواره در کلام و بیان استاد بودند و سخنان ماندگار ایشان همچنان بی بدیل است، در توصیف خدمات جهادسازندگی در دوران دفاع مقدس فرمودند که ترسیم زحمات جهادگران در قالب الفاظ نمی‌گنجد و در یک کلام آنها را «سنگرسازان بی‌سنگر» نامید.

نماینده ولی فقیه و امام جمعه کاشان افزودند: حضور جهادگران جلوتر از نیروهای رزمی برای امور مهندسی از جمله: احداث خاکریز، راه و پل و همزمان در بعد از نیروهای رزمی برای پشتیبانی نشان دهنده حجم عظیم زحمات جهادگران است که متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده است. آیت الله عباسعلی سلیمانی در ادامه سخنان خود خاطر نشان کردند: نه تنها از شهید عزیزمان سردار جهادگر حاج علی فارسی، که حتی جملات ماندگار امام خمینی (ره) در تجلیل از جهادگران را در سطح شهر کاشان ندیده‌ام و جا دارد مسئولین مرتبط نام و یاد جهاد سازندگی و تجلیل از شهدای والامقام و عزیزش در این شهر شهید پرور و دارالمومنین در معابر و میادین شهر خودنمایی و جلوگر نماید.

این نماینده مجلس خبرگان رهبری در بخش پایانی سخنان خود ضمن بیان خاطراتی از حضور جهادگران در منطقه عملیاتی غرب کشور در دوران دفاع مقدس، یاد و خاطره همه شهدای سنگرساز بی‌سنگر خصوصاً جهادگر شهید حاج علی فارسی را گرمی داشت و از خانواده وی تجلیل کرد.

به مناسبت سی و پنجمین سالگرد شهادت سردار جهادگر شهید حاج علی فارسی (فرمانده پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی استان اصفهان) مدیران جهاد کشاورزی و پیشکسوتان جهادگر با آیت الله سلیمانی نماینده مقام معظم رهبری و امام جمعه کاشان دیدار کردند.

به گزارش سایت سنگرسازان بی‌سنگر به نقل از روابط عمومی مدیریت جهاد کشاورزی کاشان، در این نشست که محمد صدوری مدیر عامل کانون سنگرسازان بی‌سنگر، صادق صدقگو معاون فرهنگی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، مهندس افیونی معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان جهاد کشاورزی استان اصفهان و مهندس رضا مظلومی معاون رییس سازمان و مدیر جهاد کشاورزی و جمعی از جهادگران حضور داشتند، آیت الله سلیمانی ضمن اشاره به زحمات و خدمات جهادگران در عرصه‌های محرومیت زدایی و پشتیبانی و مهندسی جنگ گفت: اگر امروز به مناطق محروم و کمتر توسعه یافته کشور یا حتی به همین روستاهای شهر کاشان مراجعه کنیم می‌بینیم که هنوز از راهسازی، آب و برق رسانی یا سایر امور رفاهی که توسط جهادگران انجام شده است، مورد استفاده عموم است و ذکر خیر زحمات و خدمات جهاد سازندگی همچنان بر زبان مردم جاری است.

وی در ادامه، جهاد سازندگی را یکی از ارکان مهم و اصلی کشور در پس از پیروزی انقلاب دانست و تصریح کرد:

جلسه سه شنبه های قرآنی کانون سنگر سازان کاشان به نام سردار سرلشکر جهادگر شهید حاج علی فارسی



مقدس بیان نمود ، در ادامه این جلسه آیت الله سلیمانی، نماینده ولی فقیه و امام جمعه شهرستان کاشان با بیان اینکه نظام زندگی بشر در دینوع انتخاب از یکسو محبت به خدا و از طرف دیگر تعلقات مادی زندگی می باشد یادآور شد: شهدا بودند که برای رسیدن به معبود از همه تعلقات زندگی خود گذشتند و در همین زمینه با توجه به ابعاد شخصیتی سردار شهید جهادگر حاج علی فارسی، ادامه داد: این سردار رشید اسلام علاوه بر اقامه نماز شب و عبادت به درگاه خدا، در دوران مسئولیت پشتیبانی جنگ، علیرغم در اختیار داشتن امکانات دولتی، برای حفظ بیت المال و امانت داری، از اموال بیت المال هیچگونه بهره برداری و سوءاستفاده ای نکرد، وی در ادامه با اشاره به رسالت سنگین دانشگاهها در تبیین ایثار، فداکاری و رشادتهای سرداران دوران دفاع مقدس گفت : هدف ما نباید فقط برگزاری سالگرد شهدا باشد، بلکه رشادتهای جهادگری همچون حاج علی فارسی باشد، بلکه رشادتهای این سرداران نیز باید در دانشگاهها و مدارس برای دانشجویان و دانش آموزان به خوبی تبیین شود.

نوحه سرایی حاج محمد مسگری از خادمان وادی جنگ و جهاد، پایان بخش جلسه قرائت کانون و مراسم سالگرد شهدا سردار سرلشکر حاج علی فارسی بود.

جلسه قرائت قرآن کانون سنگر سازان کاشان که مصادف بود با سالگرد شهادت سردار سرلشکر حاج علی فارسی ؛ بعد از نماز مغرب و عشاء سه شنبه شب بیست و هشتم دیماه ۱۴۰۰ با حضور فرزند شهید، پیشکسوتان جهاد سازندگی، همزمان و برخی از مدیران ارشد وزارت، استان و شهرستان کاشان ، به نام و یاد این سردار گرانقدر و رشید، در سالن اجتماعات جهاد کشاورزی این شهرستان برگزار گردید .

این جلسه خاص قرآنی که با تلاوت آیاتی از کلام نور آغاز گردیده بود با خوانش صفحاتی به یاد شهید عزیز حاج علی فارسی ادامه یافت ، سپس مهندس مظلومی مدیر محترم جهاد کشاورزی کاشان ضمن خیر مقدم حضور مدعوین ، از سردار لاله زار جهت ایراد صفیات سردار شهید فارسی دعوت نمود، سردار لاله زار (فرمانده قرارگاه نوح نبی(ع) و کربلا(پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد) و همرمزم شهید حاج علی فارسی ؛ به نقش ارزشمند رزمندگان جهادگر دوران دفاع مقدس در سازندگی کشور پرداخته و در ادامه به حضور بسیار بارز سردار شهید حاج علی فارسی در پشتیبانی از جنگ اشاره نمود و گفت: شهید فارسی الگوی مدیریت جهادی را در عمل و میدان مبارزه به اثبات رساند و ایستادگی در سنگر اقتصاد مقاومتی در زمان فعلی را مصداق بارز جهادگری و تداوم دفاع

طراحی و فضا سازی «مسیر عاشقی» در محوطه ورودی کانون سنگرزانه بی سنگر به روایت تصویر



قال امام علي (عليه السلام):

اخلاق خود را، رام خوبی ها کنید و به بزرگواری هایشان بکشانید
و خود را به بردباری عادت دهید.

عید میلاد النبی

ولادت با سعادت حضرت علی بن ابیطالب (ع)
و روز پدر تهنیت و گرامیباد.



www.sangarsazan.ir
@sangarsazan_ir